

# تلنگر

شماره فروردین ۱۳۹۴ - پرونده سیاسی

چرا آمریکا نباید از شکست  
مذاکرات با ایران بترسد  
سعید قاسمی نژاد / امانوئل اتولنگی

زمان آن رسیده که کارت  
اپوزیسیون ایران بازی شود  
شریل برنارد

هر آنچه سخت است و استوار  
دود می شود و به هوا می رود

## در این شماره می خوانید:

- + چرا آمریکا نباید از شکست مذاکرات با ایران بترسد / سعید قاسمی نژاد، امانوئل اتولنگی
- + زمان آن رسیده که کارت اپوزیسیون ایران بازی شود / شریل برنارد
- + ایران در میان ۴۸ کشور "غیر آزاد" و سوریه غیر آزادترین کشور جهان
- + جمهوری اسلامی می خواهد یک عربستان شیعه درست کند / گفتگو با آرش سبحانی
- + رتبه بندی سال ۲۰۱۵ «هریتیج» از آزادی اقتصادی در جهان
- + در صورت عدم توافق هسته ای، اقتصاد ایران ظرف دو سال به ورشکستگی کامل می رسد
- + تحلیل سفر وزیر خارجه استرالیا به تهران / رضا عرب
- + همه مردان آیت الله / فیلیپ اسمیت
- + ابهامات پیرامون همکاری تهران و پیونگ یانگ / علی آلفونه
- + اقتصاد ایران در فروردین ماه: سایه سنگین مذاکرات هسته ای / سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی
- + چهار مبنای سیاست گذاری و پنج سیاست کلان و به هم پیوسته جمهوری اسلامی / مجید محمدی
- + امر به معروف و نهی از منکر و سلطه ی هویت دینی / بهزاد مهرانی

**تلنگر**

پرونده سیاسی

**توضیح:**

شماره حاضر شامل یادداشتی هایی از سعید قاسمی نژاد و امانوئل اتولنگی را می خوانید

**صاحب امتیاز:**

مرکز مطالعات لیبرالیسم

**آدرس اینترنتی تلنگر:**

<http://bamdadkhabar.com>/تلنگر

## چرا آمریکا نباید از شکست مذاکرات با ایران بترسد سعید قاسمی نژاد / امانوئل اتولنگی



غرب ابزار فشارش بر ایران که تحریم‌ها بودند را از دست داد، این تنها کاهش قیمت نفت است که غرب را از کاملاً دست بسته نشستن پشت میز مذاکره نجات داده است.



دکتر امانوئل اتولنگی محقق ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در واشنگتن دی سی است.

سعید قاسمی نژاد دانشجوی دکترا و مدرس فایننس، در سیتی یونیورسیتی نیویورک و محقق بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در واشنگتن دی سی است.

یک سال پس از امضای قرارداد موقت با ایران، دولت آمریکا دریافته است که دستیابی به یک توافق هسته‌ای جامع، دور از ذهن است.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، گمان می‌کرد توافق موقت یک ریسک حساب شده است؛ ریسکی که ارزش سنجیدن آمادگی و تمایل ایران برای رسیدن به یک توافق پایدار را دارد. اما واقعیت این است که یک سال ماراتن مذاکرات حاصلی در بر نداشته است.

تنها نتیجه ملموس، فرسایش تدریجی خطوط قرمز غرب بوده است. خطوط قرمزی که در ازای تلاش برای نگاه داشتن مذاکره‌کنندگان ایرانی بر سر میز مذاکرات، کمرنگ‌تر شده‌اند. غرب ابزار فشارش بر ایران که تحریم‌ها بودند را از دست داد، این تنها کاهش قیمت نفت است که غرب را از کاملاً دست بسته نشستن پشت میز مذاکره نجات داده است.

در همین حال، اقتصاد ایران به تدریج پس از تحریم‌های اخیر بین‌المللی رو به بهبود است. با گذشت زمان نیز فشار شرکت‌های چند ملیتی، چارچوب شکننده تحریم‌ها را در هم خواهد شکست. پس چرا دولت اوباما زمان معامله موقت را تا هفت ماه دیگر تمدید کرده است، با این احتمال که زمان بیشتری هم ممکن است مورد نیاز باشد؟

دلیل آن این است که پرزیدنت اوباما تبدیل به زندانی استدلال‌های خود در برابر منتقدان توافق موقت شده است.

دولت اوباما از آغاز این منتقدان را جنگ طلب نامیده است. اکنون که گفتگوها تمدید شده‌اند و مذاکرات نتیجه‌ای در بر نداشته است، کاخ سفید ادعا می‌کند که تنها آلترناتیو روند فعلی، جنگ است. در لفظ و ظاهر، اوباما و وزیر خارجه‌اش - جان کری - مکرراً گفته‌اند که عدم توافق بهتر از یک توافق بد است. اما در طول مذاکرات یک سال گذشته که تحت لوای توافق موقت صورت گرفت، به طور فزاینده‌ای آشکار شده است که کاخ سفید باور دارد عدم توافق، گزینه‌ای بدتر از یک توافق بد است.

با انتشار اولیه خبر تمدید دوباره، از گزارش‌ها و تفاسیر رسانه‌ای معلوم شد که این ادبیات کاخ سفید به طور موفقیت آمیزی جا افتاده است. در عین حال گزارش‌ها و تحلیل‌هایی در مورد احتمال وقوع جنگ در صورت نرسیدن به توافق منتشر شده‌اند.

فرض ناگزیری انتخاب هولناک میان روند دیپلماتیک فعلی و جنگ، یک دوگانه غلط و نادرست است. این دوگانه بر این باور استوار است که پنداری از قبل مذاکره‌ای در کار نبوده است و پس از شکست توافق موقت هم، مذاکره‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اما واقعیت آن است که جامعه بین‌المللی از سال ۲۰۰۳ مشغول مذاکره با ایران است. یازده سال مذاکره شواهد خوبی علیه این ایده ارائه می‌کند که شکست مذاکرات مقدمه جنگ خواهد بود. برای مثال ایده‌ای که در حال حاضر در مذاکرات هسته‌ای تحت بررسی است، یعنی اینکه بیشتر اورانیوم غنی شده ایران ممکن است جهت تولید سوخت به روسیه منتقل شود، تنها یک نسخه به‌روز شده از توافق موقتی است که پیش‌تر هم به ایران پیشنهاد شده بود.

علی اصغر سلطانی، نماینده وقت ایران در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در وین، پس از توافق ضمنی با این ایده آن را برای تایید نهایی به ایران برد. اما رهبر ایران با رد توافق امکان سازش را از بین برد.

تلاش‌های ترکیه و برزیل نیز برای نجات توافق و سازگار کردنش به میل ایران بی‌ثمر ماند و منجر به صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل شد، که شدیدترین تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران تا آن زمان بود و زمینه ساز تحریم‌های یک جانبه اتحادیه اروپا شد.

این شکست دیپلماتی در مقیاسی بزرگ بود اما با این حال منجر به جنگ نشد. نهایتاً مذاکرات از سر گرفته شد و به صورت ناپیوسته ادامه پیدا کرد تا توافق موقت در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ حاصل شد. آنچه هر بار امکان بازگردان ایران به میز مذاکرات را فراهم کرد فشارهایی بود که غرب از طریق افزایش تحریم‌ها و مطرح کردن احتمال عملیات نظامی به ایران تحمیل می‌کرد.

## ایران در میان ۴۸ کشور "غیر آزاد" و سوریه غیر آزادترین کشور جهان

گزارش سالانه‌ی "خانه آزادی" از رتبه‌بندی جهانی کشورها بر اساس "حقوق سیاسی" و "آزادی‌های اجتماعی" منتشر شد و بر اساس آن ایران هم‌چون سال‌های گذشته در دسته‌ی کشورهای "غیر آزاد" قرار گرفت.

این سازمان غیردولتی مستقر در امریکا که وضعیت آزادی و دموکراسی در جهان را رصد می‌کند، در گزارش سال ۲۰۱۴ خود، ۱۹۵ کشور جهان را مورد بررسی قرار داده و ده کشور سودان، سومالی، افریقای مرکزی، اریتره، گینه استوایی، ازبکستان، ترکمنستان، عربستان سعودی، سوریه، و کره شمالی را در سبد ۷، یعنی پایین‌ترین جایگاه از نظر "حقوق سیاسی" و "آزادی‌های اجتماعی" قرار داده است.

در میان این کشورها، سوریه با کسب مجموع ۱ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن، "غیر آزادترین" کشور جهان در سال گذشته میلادی بوده است.

ایران نیز در سبد ۶، در کنار کشورهایی چون افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان، بحرین، کامرون، کنگو، یمن، چین، کوبا، لائوس و بلاروس، قرار گرفته و پایین‌ترین میزان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را به شهروندان خود داده است.

ایران در بخش حقوق سیاسی از ۴۰ امتیاز ممکن، ۷ امتیاز گرفته و در بخش آزادی‌های اجتماعی نیز به امتیاز ۱۰ از ۶۰ دسته یافت که در مجموع، امتیاز ۱۷ از ۱۰۰ را برای این کشور رقم زده است. در سوی دیگر جدول نیز کشورهای امریکا، استرالیا، کانادا، شیلی، آرژانتین، برزیل، افریقای جنوبی، هند، مغولستان، اسرائیل و تقریباً همه‌ی کشورهای اروپایی در دسته‌ی کشورهای "آزاد" جهان قرار گرفته‌اند.

در میان تمام کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا، اسرائیل تنها کشوری است که در دسته‌ی کشورهای "آزاد" جای گرفته است.

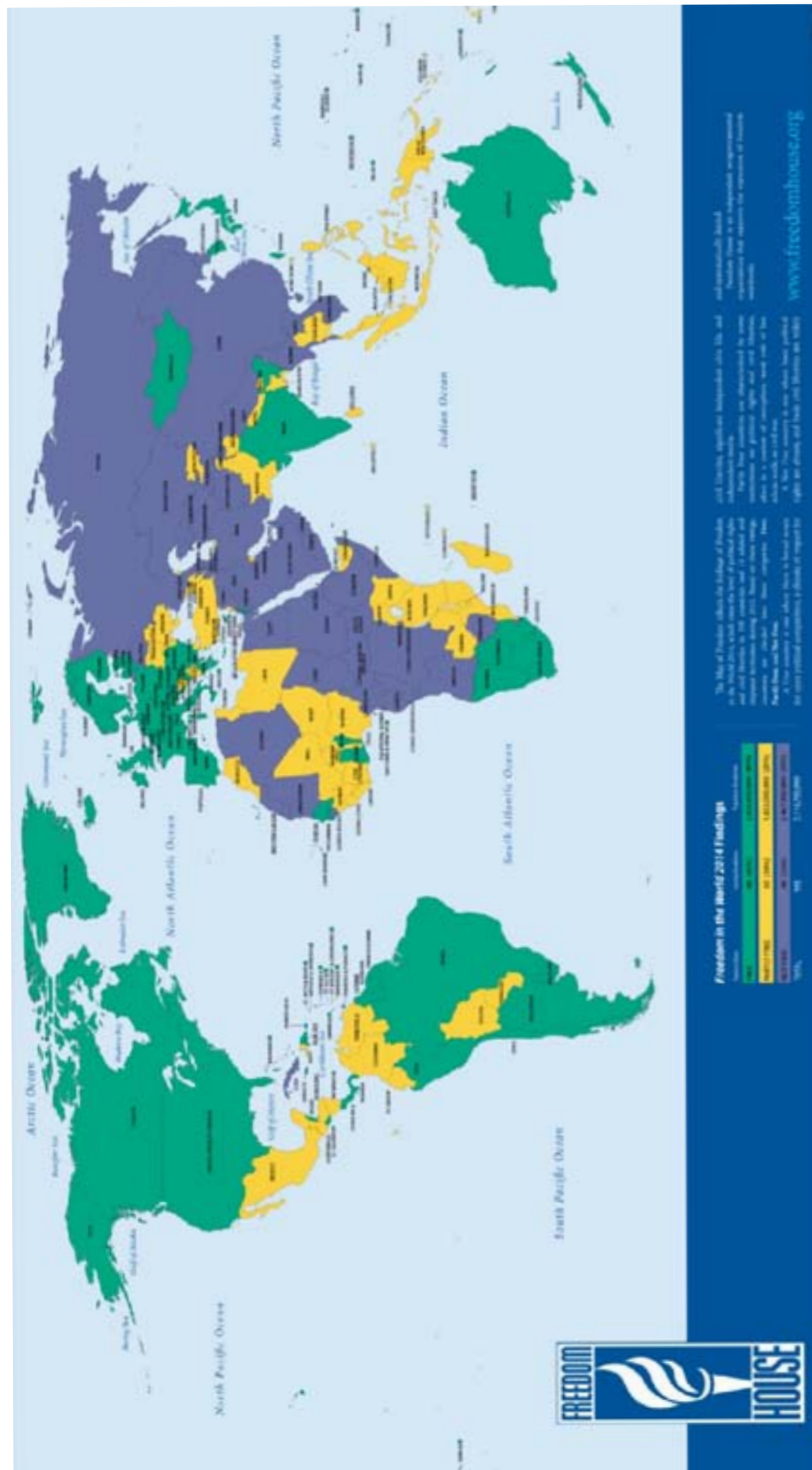
به همین دلیل، فرض بروز جنگ در صورت شکست توافق موقت، ساده‌لوحانه است. به احتمال زیاد، شکست این توافق در ۲۴ نوامبر منجر به تکرار اتفاقات قبلی می‌شود. به این معنی که اگر تهران راه مخالفت را در پیش می‌گرفت، تحریم‌های بیشتری از طرف دولت اوباما و هم‌پیمانان اروپایی علیه حکومت ایران تحمیل می‌شد، تهران منزوی می‌شد و در نهایت جمهوری اسلامی مجبور می‌شد از موضعی ضعیف‌تر پای میز مذاکره بنشیند. از زمانی که برنامه‌ی هسته‌ای مخفیانه ایران افشا شد همواره گفت‌وگوهایی وجود داشته است. دلایل محکمی وجود دارد که باور کنیم اگر گروه ۱+۵ به طرف‌های ایرانی خود اعلام می‌کرد توافق موقت به پایان رسیده و دیگر پولی به اقتصاد ایران تزریق نخواهد شد، حکومت در تهران نهایتاً راهی برای زیر پا گذاشتن غرور خود پیدا می‌کرد. به هر حال، محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران بود که به خبرنگاران گفت: «ایران هیچ‌وقت میز مذاکره را ترک نکرده و نخواهد کرد.» و چرا باید بکند وقتی همه چیز مطابق میل او پیش می‌رود.

آنچه می‌توانست ایران را وادار به نرمش قهرمانانه برای رسیدن به نتیجه کند، ترس ایران از واکنش شدید غرب در صورت شکست مذاکرات بود. از آنجا که اوباما «در عمل» صریحاً نشان داده است که ادامه مذاکرات به هر قیمتی از سایر گزینه‌ها بهتر است، ایران با خیال راحت به سرسختی بر سر میز مذاکره ادامه می‌دهد چرا که می‌داند طرف مقابل میز را به قصد بالا بردن چماق ترک نمی‌کند و تنها هویج در دست دارد. در بازار، بسیاری اوقات برای جوش دادن معامله باید آماده بود که معامله را به هم زد، در بازار تهران همه این را به تجربه می‌دانند.



در میان این کشورها، سوریه با کسب مجموع ۱ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن، "غیر آزادترین" کشور جهان در سال گذشته میلادی بوده است.





“خانه آزادی”، ترکیه و پاکستان، دو کشور همسایه‌ی ایران را نیز در گروه کشورهای “تا حدی آزاد” جای داده است.

این سازمان غیردولتی در گزارش خود تاکید کرده که وضعیت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در سال ۲۰۱۴، در ۵۵ کشور نسبت به سال قبل از آن افت کرده و در مقابل در ۴۰ کشور، وضعیت بهتر شده است.

این سازمان همچنین از افزایش حاکمانی خبر داده که با استفاده از “خودکامگی مدرن”، مخالفان سیاسی خود را بدون آن‌که “نابود” کنند، “فلج” می‌نمایند و تحت پوشش “نظم”، “مشروعیت”، و “رفاه”، حاکمیت قانون را نقض می‌کنند.

از ۱۹۵ کشور مورد بررسی در این گزارش، ۸۸ کشور در دسته‌ی کشورهای “آزاد”، ۵۹ کشور “تا حدی آزاد” و ۴۸ کشور نیز “غیر آزاد” شناخته شده‌اند.

## جمهوری اسلامی می خواهد یک عربستان شیعه درست کند گفتگو با آرش سبحانی



علیرضا کیانی: آرش سبحانی متولد تهران و دانش‌آموخته رشته معماری در اصفهان است. او که بیشتر شهرتش را از پایه‌گذاری گروه موسیقی "کیوسک" و خوانندگی و نوازندگی در آن به دست آورده، هم‌زمان دستی نیز در سیاست دارد و شوی هفتگی "آنتن" را در صدای آمریکا اجرا می‌کند. با آرش سبحانی درباره نگاهش به ایران دیروز و امروز و فردا به صحبت نشستیم.

علیرضا کیانی: هم در گروه هنری ات (کیوسک) و هم در برنامه‌ای که اکنون مجری آن هستی یعنی «آنتن»، دغدغه‌های بالای اجتماعی-سیاسی خودت را به نمایش گذاشته‌ای و گزارده‌ای. اما می‌خواهیم از نگاهت به اصلاحات شروع کنیم. سال ۷۶ کجا بودی و چه می‌کردی و نگاهت به خاتمی چه بود؟ آیا به خاتمی رای دادی؟

آرش سبحانی: من در آن موقع، جدای از کار موسیقی، کار اصلی‌ام معماری بود و در یک دفتر معماری کار می‌کردم و با پروژه‌های معماری زیادی سروکار داشتم. بنابراین می‌دیدم بودجه‌ها چگونه می‌آیند و می‌روند و مدیریت پروژه هم چگونه انجام می‌شود. سال ۷۶ امیدوار به این نبودم که ایران کشوری با استانداردهای اروپایی خواهد شد اما فکر می‌کردم مسیر درستی شروع شده است. فکر می‌کردم انتخاب خاتمی قدم مثبت و رو به جلویی است. اما خیلی طول نکشید که فهمیدم اشتباه کردم و این تفکر از روی جوانی و نادانی بوده است.

### علیرضا کیانی: بیشتر توضیح می‌دهی؟

آرش سبحانی: فکر کنم ۲ سال بیشتر طول نکشید. ۱۸ تیر خیلی روی نگاهم تاثیر گذاشت. اصولاً فکر کنم انگیزه‌ای بین نیروهای اصلاح‌طلب برای اصلاح وجود نداشت. از این‌که چه را می‌خواهند اصلاح کنند طفره می‌رفتند. حسی که من از آن‌ها می‌گرفتم این بود که مردم را پلی می‌دیدند برای رسیدن دوباره به سطوح بالای قدرت. ۸ سال خاتمی فکر کنم برای خیلی‌ها از این لحاظ روشن‌گر بود. علیرضا کیانی: آن وقت‌ها چند سالت بود؟

آرش سبحانی: من سال ۷۶، ۲۶-۲۵ سال سن داشتم.

### علیرضا کیانی: پس کار هنری‌ات را شروع کرده بودی؟

آرش سبحانی: آره. از قبل از آن آغاز کرده بودم. این را هم بگویم که وقتی خاتمی روی کار آمد در آن یکی دو سال اول فضای نسبتاً بازی اتفاق افتاد و مثلاً توانستیم اجرا کنیم و مجوز بگیریم و برنامه اجرا کنیم اما آن هم خیلی سریع تبدیل شد به یک گروگان‌گیری بین وزارت ارشاد و هنرمندان و در نطفه خفه شد. امر پایداری نبود. این مساله در همه جنبه‌های فرهنگی هنری اتفاق افتاد.

### علیرضا کیانی: از همان وقت‌ها دغدغه‌های اجتماعی در کار موسیقایی‌ات داشتی یا اینکه صرفاً دغدغه‌هایی هنری داشتی؟

آرش سبحانی: قطعاً بود. دغدغه‌های من بیشتر اجتماعی بود تا سیاسی. من فکر می‌کنم سیاست سایه‌ای انداخته بر سر اجتماع که مجبوریم با آن برخورد کنیم. بگذارید همین‌جا یک نکته را بگویم برای کسانی که سن و سال‌شان کمتر است و آن روزها را یادشان نمی‌آید. این‌گونه نبود که اصلاحات از بیرون بیاید و فضا را باز کند. ما نسلی بودیم که تعدادمان خیلی زیاد بود. در واقع ما طلایه اولین نسل جوان ایرانی بودیم که تعداد زیادی از آن‌ها به جامعه آمدند. در واقع این تعداد زیاد آدم‌های جوان بود که یکی از عوامل بسیار مهم روی کارآمدن خاتمی شد. وگرنه نه خود خاتمی چندان موضوعیتی داشت نه کسی چندان او را می‌شناخت و نه اصلاً بحثی از اصلاحات در میان بود.



فکر کنم ۲ سال بیشتر طول نکشید. ۱۸ تیر خیلی روی نگاهم تاثیر گذاشت. اصولاً فکر کنم انگیزه‌ای بین نیروهای اصلاح‌طلب برای اصلاح وجود نداشت.



## علیرضا کیانی: خیلی‌ها روی کمتر شناخته بودن خاتمی در آن سال‌ها مانور می‌دهند. پس تو روی چه شناختی به وی رای دادی؟

آرش سبحانی: من فقط یک بار و آن هم ۷۶ رای دادم. راستش من صرفاً به خاطر شعارهای خاتمی به او رای ندادم. من فکر می‌کردم و هنوز هم می‌کنم که در بین آدم‌های جمهوری اسلامی، او آدم سلیم‌النفسی بود. اما به قیمت خیلی گرانی فهمیدیم که سلیم‌النفس بودن صرفاً برای یک سیاست‌مدار کافی نیست. ضمن اینکه فرصتی به ما داد به صورت خیلی کلان نشان دهیم از وضع موجود راضی نیستیم. هنوز هم معتقدم آن ۲۰ میلیون رای نه به خامنه‌ای و رفسنجانی و وضع موجود بود.

## علیرضا کیانی: چه زمانی از کشور خارج شدی؟

آرش سبحانی: من همان سال ۸۴ و چند روز بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد رفتم. فهمیدم دیگر جای ماندن نیست. البته از پنج شش ماه قبل از آن به فکر رفتن بودم.

## علیرضا کیانی: پس شرایط سیاسی موجب مهاجرت تو شد؟

آرش سبحانی: اصلاً چندین ماه قبل از روی کار آمدن احمدی‌نژاد آدم می‌دید که آدم‌های عجیب‌غریبی دارند می‌آیند که از دهه ۶۰ به بعد آن‌ها را ندیده بودیم. ضمن اینکه سرخوردگی بسیار شدیدی هم وجود داشت. آدمی یک بار در زندگی جوانی را تجربه می‌کند. اما کسانی که ما به آنان امید بسته بودیم با جوان‌هایی چون ما که آرمان‌هایی داشتیم، خوب برخورد نکردند و ما را به بن‌بست هدایت کردند. احمدی‌نژاد نماد سرخوردگی نسل من بود.

## علیرضا کیانی: پس تو از سال ۸۴ یک روند نزولی را برای ایران تصور می‌کردی؟

آرش سبحانی: من از سال ۷۸ دیگر ناامید بودم اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم وضع این‌قدر بد بشود. یعنی این روند فزاینده بدی را که از زمان روی کار آمدن احمدی‌نژاد تا الان دارد اتفاق می‌افتد، من اصلاً حدس نمی‌زدم.

## علیرضا کیانی: آیا به موسوی یا کروبی رای دادی؟

آرش سبحانی: من به هیچ‌کدام رای ندادم. اصولاً جنبش سبز چیزی نبود که صرفاً به خاطر میرحسین موسوی اتفاق افتاده باشد. من جنبش سبز را هم شبیه اصلاحات می‌دانم با یک سری رای اولی که تقاضاهایی داشتند و از این رو به نظر من یک نه به حکومت بود. موسوی کسی بود که می‌شد او را بهانه کرد و به حکومت نه گفت.

## علیرضا کیانی: جنبش سبز را چطور می‌بینی؟

آرش سبحانی: من فکر نمی‌کردم جنبش سبز اینقدر سریع خاموش و محو شود. امری که برایم دردناک بود این بود که اصلاح‌طلبان می‌گفتند ما باید با اختلاف ۷ میلیون نفر ببریم که حکومت نتواند تقلب کند. یعنی همه احتمال تقلب را می‌دادند ولی هیچ برنامه‌ای برای روز بعد از تقلب نداشتند. مثلاً وقتی موسوی را با آن بلندگوی سبزی‌فروشی در فردای تقلب در خیابان می‌بینی، متوجه می‌شوی که آن‌ها اصلاً برای بلندگوی این آدم نیز برنامه نداشتند. یا اینکه مردم را می‌بردند به میدان آزادی. میدان آزادی خارج از شهر است. تحصن و اعتراض باید داخل شهر باشد تا معنی بدهد. احتمالاً اگر مردم به خود پلیس می‌گفتند کجا تظاهرات کنیم، پلیس می‌گفت بروید میدان آزادی! درحالی‌که می‌توانستند میدان ولیعصر یا بهارستان را محل اعتراض قرار دهند. یا اصلاً اینکه خیلی صلح‌آمیز و دوستانه می‌رفتند دم بیت رهبری و از ایشان می‌خواستند که ریش‌سفیدی کند. به هر حال من اصلاً فکر نمی‌کردم حکومت بتواند یک ساله بساط جنبش سبز را جمع کند. البته باید بگویم این مساله یک زخم خیلی عمیقی روی بدن جامعه گذاشته که اصلاً به این راحتی‌ها فراموش نمی‌شود.

## علیرضا کیانی: تو از منتقدان روحانی و دولت تدبیر و امید هستی. گرچه روحانی کاندیدای مورد تایید و مطلوب خامنه‌ای بود، اما بخش قابل توجهی از مردم و جوانان هم به روحانی رای دادند و از انتخاب او شادمان هم شدند. خب چطور می‌توانستی این تناقض نگاه بین خودت با نگاه این بخش از مردم را هضم کنی؟

آرش سبحانی: من فکر می‌کنم اگر یک انتخابات آزاد در ایران برگزار شود کسانی رای خواهند آورد که با امثال روحانی فاصله بسیار فراوان دارند. اصلاح‌طلبان دقیقاً این را می‌دانند و به همین خاطر بازی را از یک جای دیگر به بعد ادامه نمی‌دهند. اصلاح‌طلبان می‌دانند که اگر مردم بخواهند اراده خودشان را حاکم کنند، صد در صد از امثال اصلاح‌طلبان خواهند گذشت. اصلاح‌طلبان می‌خواهند در یک زمین بسته بازی کنند. در زمینه انتخاب روحانی باید بگویم که همه کوتاه آمدند. مردم بیش از همه. خود خامنه‌ای هم تا قبل از آن مدام صحبت از تغییر هندسه سیاسی و این چیزها می‌کرد. ولی به هر حال با این انتخاب، آن امر اساسی که اصلاحات ساختاری باشد اتفاق نیفتاد. اختیارات رهبری در این قانون اساسی، از شاه مشروطه بسیار بیشتر است و پاسخ‌گو هم نیست. من فکر می‌کنم انتخاب روحانی یک تسکین سیاسی و جوردگی بود. رای اولی‌ها هم در آن خیلی موثر بودند. شاید من اشتباه می‌کنم.

## علیرضا کیانی: گفته بودی که از ۷۸ به بعد ناامید شدی و با انتخاب احمدی‌نژاد دیگر این روند نزولی را به عینه می‌دید. آیا نسبت به آینده ایران نوید و مأیوسی؟ گمان نمی‌بری روزی برسد که ایران از نظامی دموکراتیک با آزادی‌های اجتماعی و مردمی با قدرت خرید بالا برخوردار باشد؟

آرش سبحانی: ببینید من فکر می‌کنم ایران روی یک فونداسیون قرار گرفته است که آن فرهنگ ایران است. فرهنگ ایران را اگر از آن بگیری فرق خاصی با جاهای دیگر ندارد و من کاملاً معتقدم که در طول ۳۰ سال اخیر این فرهنگ را به شکل خیلی سیستماتیکی دارند نابود می‌کنند.

## مقابله با شکست: زمان آن رسیده که کارت اپوزیسیون ایران بازی شود

شریل برنارد



مذاکره‌کنندگان هستهای آمریکا بر این باورند که با همتایان ایرانی خود به یک موفقیت عمده دست یافته‌اند. برخی تحلیلگران با این نظر موافقت در حالی که عده‌ی دیگری خطرهای بسیاری می‌بینند و در مورد هرگونه تعجیل خوشبینانه در برپایی جشن، هشدار می‌دهند. هنوز برای اظهارنظر در مورد اینکه آیا این مذاکرات نهایتاً به یک نقطه عطف واقعی تبدیل خواهد شد خیلی زود است. اما مسلم است که برای اولین بار بعد از مدتها تغییری در روابط ایران-آمریکا به نظر ممکن می‌آید.

آیا توافق هستهای واقعاً امضا خواهد شد؟ و آیا نتیجه توافق نهایتاً به عنوان مثالی از دور زدن و گول زدن غرب توسط ایران درخواهد آمد؟ آیا ایران از بار تحریمها رها خواهد شد در حالی که همچنان جاهطلبیهای هستهای خود را دنبال میکند؟

یا اینکه نهال کوچک همکاری و سازش رشد میکند و درخت استواری می‌گردد؟ فرجام نتیجه اینها پیش‌بینی‌ناپذیر است. در عوض، نتیجه تعامل است و بیشتر به اعمال مشخص ایالات متحده بستگی دارد.

به همین اقلیت‌هایی که از ایران رفته‌اند نگاه کنید. به همین آذری‌های خودمان نگاه کنید. در هنگامه جنبش سبز، تراکتورسازی برای تبریز مهم‌تر بود! این فاجعه است. چرا آذری‌ها قهر کرده بودند؟ بهایی‌ها رفته‌اند. یهودی‌ها رفته‌اند. سنی‌ها را آزار می‌دهیم. کرد و بلوچ و عربش را اعدام می‌کنیم. اما این‌ها همه ایرانی‌اند. مانند قطعات پازلی که ایران را می‌ساخته است. جمهوری اسلامی این‌ها را در طول ۳۰ سال چنین مضمحل کرده است. حال چطور می‌توان مثلاً در این هفت هشت سالی که مثلاً دولت روحانی احتمالاً سر کار باشد، این‌ها را جمع کرد؟ هرکس را که بویی از فرهنگ برده باشد و نخواهد به ساز این‌ها برقصد اذیتش می‌کنند و فراری می‌دهند. خب پس چه کسی باید این گندکاری شما را جمع کند؟ جمهوری اسلامی یک الگوی روسیه و چین در سرش است که خب ما اگر یک قشر پول‌دار داشته باشیم همان می‌تواند ما را حفظ کند و طبقه متوسط را هم کاملاً رشوه‌بگیر خودشان کرده‌اند. حتی در دهه ۶۰ وضع ما به نوعی بهتر از امروز بود. خیلی از نویسندگانی که الان خارج از کشورند در دهه ۶۰ در ایران بودند و می‌نوشتند. اختناق بود، جنگ بود، اعدام بود، درگیری خیابانی بود اما باز حس می‌کردی که آن فرهنگ ملی وجود دارد. آن حاملان فرهنگ هنوز هستند و می‌توان به آن امید بست. مثلاً سال ۵۵-۵۴ می‌رفتند دزفول و آهنگ جاز می‌زدند. اما الان به جایی رسیده‌ایم که در اصفهان اسید می‌پاشند روی مردم. خب ببینید از کجا به کجا رسیده‌ایم. جمهوری اسلامی می‌خواهد یک عربستان شیعه درست کند و تا الان هم موفق بوده است.



آیا توافق هسته ای واقعاً امضا خواهد شد؟ و آیا نتیجه توافق نهایتاً به عنوان مثالی از دور زدن و گول زدن غرب توسط ایران درخواهد آمد؟





به جای مباحثات به موفقیت‌های به دست آمده در مورد توافقی که هنوز شکننده است، دولت امریکا باید هماکنون و فارغ از مقاصد بیان‌نشده رژیم ایران، به دنبال راه‌های شکلهی و بهینه‌سازی نتایج آن باشد.

عنصر اصلی در به دست آوردن، حفظ و گسترش بیشتر یک موفقیت واقعی، اپوزیسیون ایران است. متغییری که تا پیش از این، مورد غفلت قرار گرفته است. اپوزیسیون ایران که متشکل از وبلاگ‌نویسان و روشنفکران مستقل اما تاثیرگذار، تجار ثروتمندی که تعلق احساسی به دوران سلطنت دارند، فعالانی با تجربیاتی در زمینه قیام‌های کوچک اما متوالی مردمی و تظاهرات گسترده پایدار و البته اعضای سازمان بحترانگیز مجاهدین خلق است، در حقیقت، یک پایگاه مثالزندی از تعامل بالقوه جامعه مدنی است. اگر قرار است روزنه‌های که به دنبال پیشرفت مذاکرات هسته‌ای ایجاد شده است مثبت و پایدار بماند لازم است که فرصتی سیاسی و اجتماعی نیز ایجاد شود. و این به نوبه‌ی خود باید توسط نیروهای ایرانی طرفدار دموکراسی به دست بیاید و گسترش یابد.

اینجا است که یک خلاء گيجکننده در شناخت ما از ایران آشکار میشود. در طول دهه‌های گذشته، کارشناسان بیشتر از همه، تلاش خود را بر رمزگشایی ساختار پیچیده قدرت در نظام ایران (رییس جمهور، رهبر، سپاه پاسداران و غیره) متمرکز کرده‌اند. و قبل و بعد از هر انتخابات به تحلیل شخصیت رهبران جدید می‌پرداختند تا بتوانند آنها را بر اساس مقیاس تندرو یا میانه‌رو طبقه‌بندی کنند.

در همین حین، شهروندان ایران، شکلی از مقاومت مداوم و پایدار را علیه رژیم سرکوبگر روحانیون در پیش گرفته‌اند. مقاومتی که شامل بسیاری از کنشها میشود: هزاران دیش ماهواره‌ای که روی پشتبامها پشت بند رختها پنهان شده تا تلویزیونها و برنامه‌های خبری ممنوع را به خانه ایرانیان بیاورد (که به نوبه خود نوعی مبارزه مدنی در سطح پایین است)، جنبش ناگهانی «رای من کو؟» در سال ۱۳۸۸ که به دستکاری در نتایج انتخابات اعتراض کرد، خبرنگارانی که در زندان اوین ذره ذره آب میشوند و فعالان سرسختی که با زندان و شکنجه و اعدام رفقاییشان دست و پنجه نرم میکنند، همگی مثالهایی از تلاشهای پی در پی ایرانیان برای رهایی از شر حکومت دینی است.

در این مورد، ایرانیان شجاعت و استقامت بسیاری نشان دادند. بعضی از گروهها و جنبشها حتی از زمان انقلاب تحت شرایط بسیار سخت و غیرممکنی دوام آورده‌اند. ما زمان زیادی داشتیم تا این گروهها را بهتر بشناسیم. اما در عوض روی نظام تمرکز کردیم و هر زمان که ناامید میشدیم به گزینه نظامی برای براندازی رژیم فکر میکردیم.

در این مورد، ایرانیان شجاعت و استقامت بسیاری نشان دادند. بعضی از گروهها و جنبشها حتی از زمان انقلاب تحت شرایط بسیار سخت و غیرممکنی دوام آورده‌اند. ما زمان زیادی داشتیم تا این گروهها را بهتر بشناسیم. اما در عوض روی نظام تمرکز کردیم و هر زمان که ناامید میشدیم به گزینه نظامی برای براندازی رژیم فکر میکردیم.

در نتیجه، امروز آگاهی ما در مورد این برگ برنده بالقوه بسیار اندک است. آنها هر کدام چه چیزی را نمایندگی میکنند؟ تا چه حد موثرند؟ قادر به انجام چه فعالیتهایی هستند؟ اگر روزنه سیاسی یا اجتماعی ایجاد شود، این گروهها به چه کمکهایی احتیاج دارند تا موثرتر واقع شوند؟

بارها از پاسخ به این پرسش، سر باز زده‌ایم یا بسیار دیر پاسخ داده‌ایم یا خیلی زود نتیجه‌گیری کرده‌ایم و فاجعه‌های متوالی مثل «بهار عربی»، «آزادی» لیبی (و تبدیل آن به یک منطقه فاقد حکومت) و «مخالفتان سوری» (و گروههای بزرگ ضدغرب و افراطگرایان طرفدار داعش) نتیجه مستقیم این غفلت عمدی است.

این اشتباهی است که در مقابله با ایران نباید تکرار شود. اگر حقیقتاً روزنه‌های وجود دارد باید فراخ‌تر شود. اگر ببینیم درها دوباره رو به بسته شدن میروند، نیاز به اهرمی داریم تا آنها را باز نگه دارد. راه رسیدن به این منظور باید عاقلانه و با ظرافت و دقت خاص پیش گرفته شود. نباید آنچنان تحریک‌آمیز باشد که نظام را بترساند و در عین حال، نباید از موضع ترس باشد طوری که این پیام را برساند که «یا این یا هیچ چیز»، و یا اینکه ما را بازی دهند.

در این فرصت ایجادشده، عاقلانه نیست که یکی از مهمترین اهرمهای فشاری که میتواند توازن را به نفع نتایج مثبت حفظ کند نادیده بگیریم. از همه مهمتر اینکه اگر در نهایت مشخص شود که همهی این ماجرا تنها بازی جمهوری اسلامی بوده است، ما باز هم نیاز به مقابله و گزینه‌هایی جدید خواهیم داشت.

## در صورت عدم توافق هسته‌ای، اقتصاد ایران ظرف دو سال به ورشکستگی کامل می‌رسد

«موسسه امور مالی بین‌المللی» (IIF) متشکل از ۵۰۰ بانک و بنگاه اقتصادی از ۷۰ کشور جهان، روز پنج‌شنبه (۱۳ آذر-۴ دسامبر) در گزارشی اعلام کرد که اگر جمهوری اسلامی بر سر پرونده هسته‌ای خود با کشورهای غربی به توافق نرسد، اقتصاد ایران از وضعیت فعلی نجات پیدا نخواهد کرد.

این موسسه معتبر که دفتر اصلی آن در شهر واشنگتن، پایتخت امریکا قرار دارد، در این گزارش، با تاکید بر این‌که «اقتصاد ایران به پرونده هسته‌ای این کشور گره خورده»، تاثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران را «فلج‌کننده» توصیف کرده و هشدار داده است که در صورت عدم توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با کشورهای غربی، «اقتصاد این کشور در طول دو سال با افزایش بیکاری، تورم و بازار سیاه به ورشکستگی کامل خواهد رسید».

گزارش آی.آی.اف با بیان این‌که «از آغاز دور جدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی از دو سال پیش، حجم اقتصاد ایران ۶/۸ درصد کاهش یافته» اضافه می‌کند که در صورت عدم توافق هسته‌ای، نرخ بیکاری در این کشور، تنها ظرف یک سال ۴ درصد افزایش خواهد یافت. این گزارش با اشاره به این‌که «اقتصاد ایران علاوه بر تحریم‌ها، با مشکل کاهش بهای نفت نیز روبرو است»، بهای جهانی نفت طی دو سال آینده را بشک‌ای ۸۰ دلار پیش‌بینی و خاطرنشان کرده که «بودجه اقتصاد ایران تنها در شرایطی در سال آینده به تعادل خواهد رسید که این کشور هر بشک‌ه نفت خود را به بهای ۱۴۸ دلار به فروش برساند».

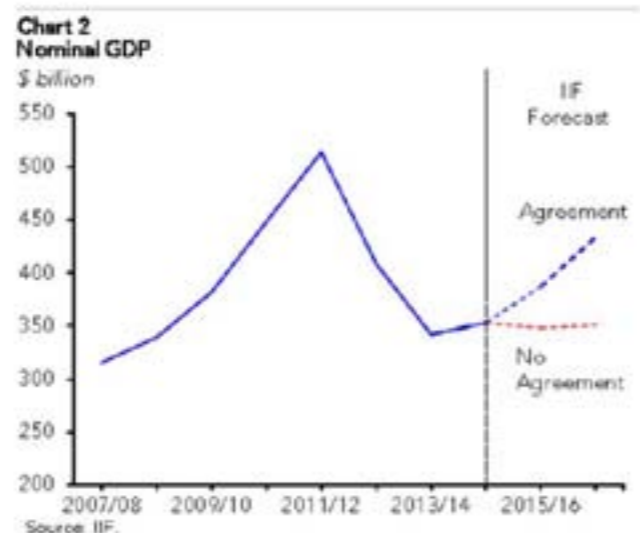
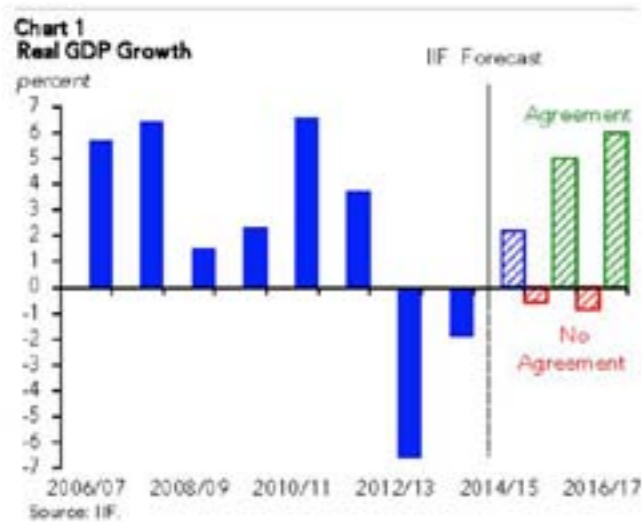
این موسسه از سوی دیگر پیش‌بینی کرده که در صورت توافق هسته‌ای، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، «جهش» خواهد یافت و تولید ناخالص داخلی این کشور طی دو سال آینده به ترتیب ۵ و سپس ۶ درصد افزایش می‌یابد.

این گزارش با اشاره به این‌که «ایران دارای ۴/۹ درصد از ذخایر نفتی جهان است»، می‌افزاید که توافق تهران با کشورهای غربی و رفع تحریم‌ها، می‌تواند شرکت‌های نفتی بزرگ و جدیدی را وارد ایران کند و به این ترتیب، این کشور نفت بیشتری را صادر خواهد کرد.

با این حال، «موسسه امور مالی بین‌المللی» در گزارش خود تاکید کرده که حتی در صورت رسیدن به توافق و رفع تحریم‌ها نیز ایران از لحاظ تامین امنیت مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی، یک کشور «ضعیف» محسوب خواهد شد و در دو سال پیش رو، همچنان در فهرست یکی از کشورهای با «ریسک بالا» برای سرمایه‌گذاران خارجی باقی خواهد ماند.

آی.آی.اف، همچنین از مخالفت گروه‌هایی در داخل ایران از جمله «سپاه پاسداران» با توافق احتمالی دولت ایران با کشورهای غربی خبر داده و افزوده که «سپاه پاسداران با داشتن منافع اقتصادی گسترده در داخل ایران، از باز شدن درهای ایران به سوی غرب زیان خواهد دید» و از این رو «حتی در صورت توافق جامع ایران با غرب نیز بر سر اجرای این توافقنامه مانع‌تراشی خواهد کرد».

گفتنی است آخرین دور مذاکرات جمهوری اسلامی با کشورهای گروه ۱+۵ برای رسیدن به توافق جامع بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران روز سوم آذرماه (۲۴ نوامبر) بی‌نتیجه پایان یافت و دو طرف تصمیم گرفتند تا این مذاکرات را برای هفت ماه آینده تمدید کنند. این تصمیم با حمایت علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی همراه شد که در سخنانی در جمع فرماندهان سپاه و بسیج، ضمن تمجید از «ایستادگی» تیم مذاکره‌کننده گفت در صورت عدم توافق، این امریکا است که «بیش از همه ضرر می‌کند».



IIF.com © Copyright 2014. The Institute of International Finance, Inc. All rights reserved.



با این حال، «موسسه امور مالی بین‌المللی» در گزارش خود تاکید کرده که حتی در صورت رسیدن به توافق و رفع تحریم‌ها نیز ایران از لحاظ تامین امنیت مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی، یک کشور «ضعیف» محسوب خواهد شد.



## تحلیل سفر وزیر خارجه استرالیا به تهران رضا عرب

مرکز مطالعات لیبرالیسم-رضا عرب: بنا بر گزارش‌ها، وزیر خارجه استرالیا -جولی بی‌شاپ- در ماه آوریل به تهران می‌آید. چنین سفری چه پیام‌هایی دارد و چه نتایجی می‌تواند در بر داشته باشد؟ در این یادداشت به طور اجمالی، این سوال‌ها را در پرتو تاریخ روابط دو کشور بررسی می‌کنم.

استرالیا از معدود کشورهای غربی است که به سختی می‌توان روابط دیپلماتیک آن را تحلیل کرد. کشوری که در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در گوشه کره خاکی میان آب‌ها قرار دارد. حتی در روابط استرالیا و آسیا در دو دهه اخیر نیز چنین روندی ملموس بوده است. استرالیا میان اولین کشورهای بود که برای کمک به حمله‌ی آمریکا به مواضع داعش اعلام آمادگی کرد، حالا اولین کشور غربی است که پس از یک دهه، ارشدترین مقام دیپلماسی را خود را به ایران می‌فرستد تا برای گسترش روابط دو کشور گفتگو کنند. استرالیا با وجود اینکه تحریم‌های غرب علیه ایران را به اجرا در آورد، اما از طرفی بدون سروصدا روابط خود را با ایران تا سطح سفیر نگاه داشت. چند مورد مذاکره تهران-کانبرا در موارد اختلافی نیز فراتر از موضوع مهاجران غیرقانونی از راه دریا نبوده است. ه نظر استرالیا هنوز درگیر خاطرات خوش بازار ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ است که ایران بزرگ‌ترین بازار محصولات صادراتی استرالیا در خاورمیانه بود. شروع روابط حسنه استرالیا با ایران نتیجه سفر محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۹۷۴ به استرالیا بود که منجر به تاسیس کمیسیون مشترک اقتصادی میان دو دولت شد. در آن زمان ایران جز ده کشور اصلی وارد کننده پشم گوسفند از استرالیا بود. پس از انقلاب، با وجود اینکه گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران و سپس فتوای قتل سلمان رشدی روابط کشورهای غربی با ایران به شدت سرد و حتی قطع کرد، استرالیا محتاطانه روابط خود را حفظ کرد. در انتهای دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ایران تبدیل به بزرگ‌ترین بازار صادراتی در خاورمیانه برای استرالیا شد. اما روند تحریم‌های بین‌المللی این رابطه را محدودتر کرد.



در نتیجه، حضور استرالیا در تهران در چنین زمانی بخشی از مصالحه‌ی غرب با جمهوری اسلامی است. حضور تجار فرانسوی و اروپایی پس از توافق ژنو اگر به نظر، کاری شتاب‌زده و فرصت‌طلبانه آمد، حضور استرالیا می‌تواند در راستای توافق آمریکا و متحدانش با جمهوری اسلامی باشد



اکنون به سختی در دو سال گذشته می‌توان به رقم ۳۰۰ میلیون دلار رد و بدل شده بین کشور اشاره کرد. در جمع‌بندی این گزارش با اشاره به تاریخ پر فراز و نشیب روابط استرالیا و ایران در حکومت‌های مختلف آن کشور، از کاهش روابط در سطوح اقتصادی، پارلمانی، تحصیلی و فرهنگی به دلیل اعمال تحریم‌های بین‌المللی ابراز تاسف شده است. در پایان این گزارش توصیه شده است که استرالیا از بخش‌های معتدل حکومت ایران حمایت کند تا از پتانسیل روابط دوجانبه استفاده شود.

احتمالاً در همین رابطه، استرالیا زمزمه‌ی توافق با ایران در ماه مارس را کمی جدی گرفته است. وزارت خارجه در اعلام سفر وزیر خارجه به استرالیا از تغییر بازی در جنگ علیه افراطیان سنی‌مذهب داعش به عنوان هدف اصلی سفر و گسترش افق همکاری‌های اقتصادی مشترک با ایران سخن گفته است. وزارت خارجه استرالیا این سفر را در پی دعوت محمدجواد ظریف از جولی بی‌شاپ دانسته است.

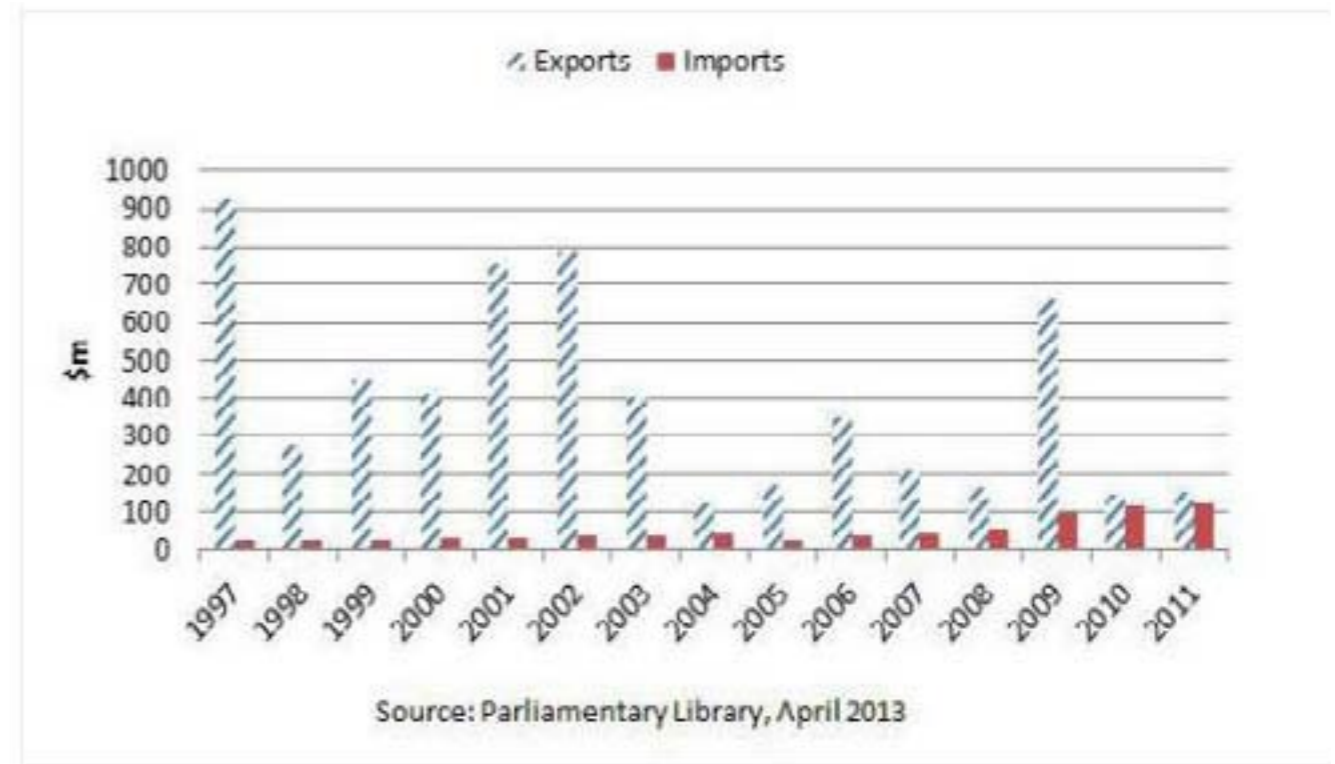
روزنامه‌ی "سیدنی مورنینگ هرالده" از خشنودی کاخ سفید از این سفر می‌نویسد و ابراز امیدواری دولت اوباما برای اینکه این سفر بتواند نزدیکی مواضع واشنگتن-تهران را در رابطه با دشمنی مشترک که در عراق و سوریه و اکنون لیبی در حال پیشروی است به ارمغان آورد.

گمانه‌زنی‌های نشریات استرالیایی پیرامون این سفر معمولاً حاوی تحسین زمان‌سنجی دولت استرالیا است. تونی ابوت، نخست‌وزیر استرالیا، که در معرض انتقادهای تند رسانه‌های آن کشور است، شاید این از معدود دفعاتی است که مورد تحسین قرار می‌گیرد. این سفر توسط رسانه‌های آن کشور به عنوان نشانه‌ای از توافق قریب‌الوقوع ایران-آمریکا در فروردین امسال درک شده است و گمان می‌رود وزیر خارجه می‌خواهد اولین کشور غربی باشد که سطح روابط با ایران را به حد قابل قبولی ارتقا می‌دهد.

ایران نیز خاطرات خوشی از رابطه با استرالیا دارد. علاوه بر حجم بالای تبادل در اوایل دهه ۹۰ میلادی، در همان زمان حدود ۹۰۰ دانشجوی بورسیه دولت جمهوری اسلامی به همراه خانواده‌های‌شان در استرالیا زندگی می‌کردند. تعداد بسیاری از وابستگان رژیم جمهوری اسلامی و اساتید کنونی دانشگاه‌های ایران از همان تعداد بورسیه‌ی دولت در اوایل دهه ۹۰ در استرالیا هستند. کشوری که محدودیت خاصی برای چنین مسلمانان رادیکالی که با تامین مالی تندروترین دولت شیعی خاورمیانه تغذیه می‌شدند اعمال نمی‌کرد و جز چند مورد معدود از اخراج فرد از استرالیا به مشکلی هم با این دانشجویان بورسیه و خانواده‌های‌شان برنخورد. چنین امکانی را هیچ کشور دیگری به خصوص در میان کشورهای انگلیسی‌زبان در اختیار دولت اسلامی ایران نگذاشته است. در یک نظرسنجی که بی‌بی‌سی در استرالیا در سال ۲۰۱۲ انجام داد، تنها ۷ درصد از استرالیایی‌ها نقش ایران را مثبت ارزیابی کردند. در همین راستا، چنین سفری باعث حیرت برخی ناظران سیاسی در استرالیا شده است. به عقیده‌ی آن‌ها، تحت هیچ شرایطی ایران نمی‌تواند اولویت امور خارجه استرالیا باشد در حالی که در ده سال اخیر دو کشور فاقد هرگونه مراوده‌ی رسمی بوده‌اند. شاید تنها اتفاقی که باعث اشاره دو کشور به یکدیگر شد، بمب‌گذاری سیدنی توسط یک شهروند ایرانی تبار استرالیا در ماه دسامبر گذشته بود که باعث شد دو کشور در سطح وزارت خارجه همدیگر را با لحنی محتاطانه مورد خطاب قرار دهند. حالا چنین شتابی برای اولین کشور غربی بودن برای رسیدن به توافق امنیتی در رابطه با جنگ با داعش و توافق اقتصادی برای گسترش مراودات به حد گذشته، باعث تعجب برخی ناظران شده است.

استرالیا از سویی با تعداد روزافزونی از شهروندانش که به داعش ملحق می‌شوند مواجه است. پیشنهاد همکاری با دولت تندروی شیعی خاورمیانه علیه مواضع داعش توسط امریکا و دیگر متحدانش با واکنش تندروهای رژیم تهران مواجه شده است. استرالیا دلایل کافی دارد تا با استفاده از فرصتی که در ایران دارد، میان گزینه بد و بدتر خاورمیانه، جانب بد را بگیرد تا بتواند ایران را به مواضع ائتلاف علیه داعش نزدیک کند. همان‌طور که در اعلام سفر وزیر خارجه به تهران آمده است، هدف اصلی تغییر بازی در منطقه علیه داعش است.

در نتیجه، حضور استرالیا در تهران در چنین زمانی بخشی از مصالحه‌ی غرب با جمهوری اسلامی است. حضور تجار فرانسوی و اروپایی پس از توافق ژنو اگر به نظر، کاری شتاب‌زده و فرصت‌طلبانه آمد، حضور استرالیا می‌تواند در راستای توافق امریکا و متحدانش با جمهوری اسلامی باشد. توافقی که تنها در حوزه هسته‌ای رخ نمی‌دهد و بنا است در حوزه‌های مختلف، منافع غرب را با لحاظ کردن منافع جمهوری اسلامی در نظر بگیرد. از هر دریچه‌ای که به این مسأله نگاه شود، استرالیا بهترین گزینه برای ورود غرب به ایران است تا دولت‌های اروپایی یا امریکای شمالی که فاقد وضعیت مناسبی در ذهن تندروهای حاکم بر ایران هستند. حال آن‌چه ممکن است در نظر سیاست‌مداران غربی پوشیده بماند، آینده‌ی روابط با دولتی است که رفتار آن را دقیقاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد. پس باید منتظر بود و دید که چنین زمزمه‌هایی از توافق و حضور وسوسه‌انگیز غرب در ایران که به زعم طراحان آن می‌تواند در دفع خاورمیانه اتمی و رفع خطر داعش موثر باشد، غرب و منطقه خاورمیانه را با چالش یک دولت شیعی قدرتمند و ثروتمند مواجه خواهد کرد. پاسخ این پرسش را در کوتاه‌مدت خواهیم دید.



نمودار بالا توسط کمیته روابط خارجه پارلمان استرالیا تهیه شده است.

دولت استرالیا برای حفظ روابط اقتصادی خود و کاهش انتقادات در مورد رابطه با کشوری که حقوق بشر را به شدت نقض می‌کند، در سال ۲۰۰۲ کمیته مشترک حقوق بشر با ایران تشکیل داد. مقامات مختلفی از قوه قضاییه و وزارت خارجه دو طرف در این کمیته حضور داشتند. یک جلسه در تهران تحت عنوان "گفتگوی حقوق بشری ایران-استرالیا" تشکیل شد و یک جلسه هم در سال ۲۰۰۳ در استرالیا. با این وجود، تصویب تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در آن سال باعث قطع چنین روابطی و کاهش چشمگیر روابط اقتصادی دوجانبه شد. پس از تصویب تحریم‌ها، روزنامه کیهان چاپ تهران در سرمقاله‌ای خواستار اخراج سفیر استرالیا به دلیل نقش داشتن در تصویب قطعنامه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد. این درخواست کیهان مورد توجه خاصی قرار نگرفت.

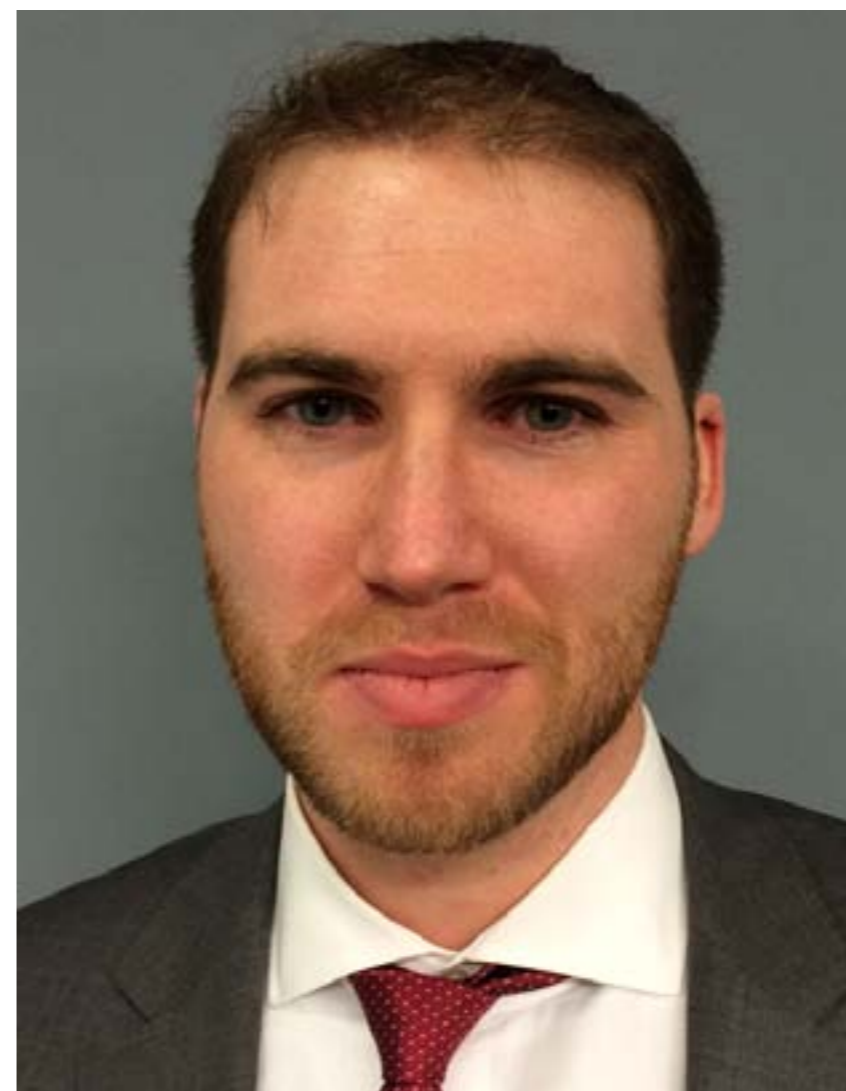
چنین به نظر می‌رسد که استرالیا قصد دارد دوباره در خاورمیانه نقش قابل توجهی بازی کند. جولی بیشاپ در سفرش به خاورمیانه در ماه آوریل به جز تهران به ریاض و بغداد هم سفر خواهد کرد. استرالیا روابطش با ایران را بدون هیچ تنش‌ی حفظ کرده و بدون سروصدا سفارتش در تهران را باز نگاه داشته است. در رابطه با وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری نکرده است (آن‌چنان که دیگر متحدانش انجام می‌دهند)، و هرگز در تاریخ جمهوری اسلامی حساسیتی متوجه دیپلمات‌ها یا سفارت استرالیا در تهران نبوده است. استرالیا جزو آن دسته از متحدان امریکا است که معمولاً حضورش در ایران هیچ حساسیتی بر نمی‌انگیزد. پس می‌تواند تایید و اشنگتن را هم به همراه داشته باشد چرا که هیچ کشور دیگر غربی نمی‌تواند نقش اعتمادساز برای تندروهای حکومت ایران ایفا کند و شرایط وسوسه‌کننده‌ای از حضور مجدد غرب برای حاکمان ایران فراهم نماید. ایران نیز علاوه بر تبادل مالی مجدد و فرصت سرمایه‌گذاری‌های امن در خارج از کشور، باز می‌تواند روی تربیت نیروی تکنوکرات مطلوب حکومت در دانشگاه‌های استرالیا حساب کند.

مردان مسلحی که سرهای بریده را نشان می‌دهند، قتل عام نمازگزاران در نماز جمعه، وابستگی فراوان به جهادگرایان فراملی، همگی جنایاتی هستند که معمولاً به داعش نسبت داده می‌شود. با این وجود، فعالیت‌های رو به رشد برخی شبه‌نظامیان شیعه عراقی که نقش عمده‌ای در مبارزه با جهادگرایان سنی ایفا می‌کنند نیز چنین است. این گروه‌ها که اغلب آن‌ها ارتباطات ایدئولوژیک و سازمانی عمیقی با ایران دارند در حال از بین بردن آخرین نشانه‌های قدرت و اعتبار دولت بغداد هستند. همچنین چالش عمده‌ای برای هدف اعلام‌شده باراک اوباما در زمینه همکاری با دولت عراق برای عقب نشانیدن داعش محسوب می‌شوند.

در حال حاضر، بیشتر از ۵۰ گروه از شبه‌نظامیان شیعه در عراق می‌جنگند. این گروه‌ها فعالانه در حال جذب نیرو هستند تا سربازان بالقوه را از ارتش و پلیس عراق جدا کنند و به عضویت سازمان‌های بسیار ایدئولوژیک، ضد آمریکایی و متعصب فرقه‌ای درآورند. بسیاری از این کارآموزان برای عقب راندن سنی‌های جهادی استفاده نمی‌شوند بلکه اغلب آن‌ها یک گارد پشتیبانی تشکیل می‌دهند تا مناطقی را که ظاهراً تحت کنترل بغداد است حفظ کنند.

شبه‌نظامیان شیعه عمیقاً در تار و پود دولت عراق گره خورده‌اند. این دولت چنان به قدرت آن‌ها وابسته است که تصور حذف آنان نیز برایش غیر ممکن است. این دو با هم‌دستی یکدیگر، موارد وحشتناکی از نقض حقوق بشر را مرتکب شده‌اند: گزارش شده که در اوایل ماه ژوئن گذشته، شبه‌نظامیان شیعه با هم‌دستی نیروهای امنیتی عراق، حدود ۲۲۵ زندانی را که بعضی از آن‌ها کودک بودند، به دار آویختند. گزارش سازمان عفو بین‌الملل در ماه ژوئن نشان می‌دهد که چگونه شبه‌نظامیان شیعه مرتباً دست به اعدام‌های خودسرانه فراقضایی می‌زنند و همچنین گزارش می‌دهد که ده‌ها تن از زندانیان اهل سنت در ساختمان‌های دولتی به قتل رسیده‌اند.

شبه‌نظامیان شیعه همچنین نقش به‌سزایی در آزادسازی شهر ترکمن‌نشین «آمرلی» داشتند. «کتاب حزب‌الله» یکی از گروه‌هایی است که توسط آمریکا تروریست شناخته شده و نایب مستقیم ایران در جنگ است. این گروه حتی از هلیکوپترهای دولتی برای انتقال مهمات در طول جنگ استفاده کرد. همان‌طور که داعش، وسایل نقلیه آمریکایی را غنیمت می‌گیرد و استفاده می‌کند، تانک‌های (Abrams M1A1) ساخت آمریکا نیز که در اختیار دولت عراق قرار دارد، تحت پرچم فرقه شیعه، به عملیات‌های «کتاب حزب‌الله» کمک کرده است. این موارد تنها به تانک‌ها ختم نمی‌شود: خودروهای جنگی «هاموی» زرهی آمریکا که در دوران جنگ عراق مورد حمله موشکی «کتاب حزب‌الله» قرار می‌گرفت اکنون به تصرف همین شبه‌نظامیان درآمده است و در عملیات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایران، باعث شکل‌گیری شبه‌نظامیان شیعه در عراق شده است. از ماه می ۲۰۱۳، تهران شبکه‌ای از انواع گروه‌های نیابتی قدیمی و جدید در عراق را تقویت کرد تا جریان مداومی از جنگ‌جوها به سمت سوریه ایجاد کند. بعضی از این نیروهای عراقی که قبلاً در دفاع از رژیم بشار اسد می‌جنگیدند با پذیرش نقش‌های جدید، هسته‌هایی از گروه‌های شبه‌نظامی تازه شکل داده‌اند که در حال حاضر با دشمنان سنی دولت بغداد می‌جنگند.



فیلیپ اسمیت (پژوهشگر مسائل عراق، لبنان و سوریه در دانشگاه مریلند)

مردان مسلحی که سرهای بریده را نشان می‌دهند، قتل عام نمازگزاران در نماز جمعه، وابستگی فراوان به جهادگرایان فراملی، همگی جنایاتی هستند که معمولاً به داعش نسبت داده می‌شود. با این وجود، فعالیت‌های رو به رشد برخی شبه‌نظامیان شیعه عراقی که نقش عمده‌ای در مبارزه با جهادگرایان سنی ایفا می‌کنند نیز چنین است



ایران، باعث شکل‌گیری شبه‌نظامیان شیعه در عراق شده است. از ماه می ۲۰۱۳، تهران شبکه‌ای از انواع گروه‌های نیابتی قدیمی و جدید در عراق را تقویت کرد تا جریان مداومی از جنگ‌جوها به سمت سوریه ایجاد کند.



به خاطر تمرکز ایران بر سوریه در استخدام نیرو، نایبان تهران از کشاندن نیرو به جبهه‌های عراق سود می‌برند. در اپریل گذشته، ایران از گروه‌هایی مانند «کتاب حزب‌الله»، «بدر» و «عصائب اهل حق» که نیروهای تازه نفس برای جنگ در عراق بودند حمایت کرد. در نهایت این جذب نیرو به آهستگی باعث ایجاد گروه‌های شبه‌نظامیان شیعه شد که تحت فرمان گروه‌های مشهور بودند. با وجود این‌که شکل‌گیری گروه‌های مختلف به طوری غیرضروری پیچیده است ولی در حقیقت کمک می‌کند چنان تصویری شکل بگیرد که انگار حمایت‌های گسترده از شبه‌نظامیانی که سیاست‌ها و ایدئولوژی ایران را دنبال می‌کنند وجود دارد. به علاوه به گروه‌های تثبیت‌شده فرصت می‌دهد تا راحت‌تر نیروهای کم‌تجربه و تازه‌کار خود را مجزا کنند.

برای مثال گروه «کتاب حزب‌الله» -که در سال ۲۰۰۷ با کمک حزب‌الله لبنان شکل گرفت- اخیراً اعلام کرده که «گروه‌های دفاع عمومی» ایجاد کرده است. این گروه جدید برای جذب داوطلبان شیعه عراقی تحت رهبری «کتاب حزب‌الله» تاسیس شد و امروز، افراد زیادی را در جنوب شهرهایی مثل بغداد، دیاله و آمرلی به خدمت گرفته است.

سازمان «بدر» که گروهی متشکل از هزاران مرد مسلح است و یکی از عوامل اصلی ایران در عراق به شمار می‌آید، رکن دیگری از تلاش‌های تهران برای توسعه شبه‌نظامیان شیعه است. در زمان جنگ عراق به خاطر تسلط داشتن بر ادارات دولتی، این گروه توانست تعدادی جوخه مرگ فرقه‌ای ایجاد کند. «بدر» همچنین درگیر جنگ سوریه بوده است و برای این منظور «نیروی شهید باقر صدر» را سازماندهی کرد.

اما نفوذ سازمان «بدر» در بغداد از همه جا بیشتر است. قدرت این گروه تا جایی درون نیروهای امنیت داخلی عراق گسترده است که برخی معتقدند که بسیاری از گروه‌های خاص عملیاتی و پلیس را کنترل می‌کند. «بدر» در حوزه سیاسی نیز نفوذ فراوانی دارد: جایگاه‌های تثبیت‌شده مهمی درون دولت عراق دارد و یکی از متحدان دولت حیدر العبادی است.

شبه‌نظامیان «بدر» به شکل گسترده‌ای در تشکیلات عوامل ایرانی در عراق نفوذ کرده‌اند. از جمله افراد آن می‌توان به جمال‌الابراهیمی (رهبر کتاب حزب‌الله)، علی‌الیاسری (رهبر یک گروه شبه‌نظامی شیعه به نام واحد خراسانی که در سوریه می‌جنگند) و واثق الباط (رهبر ارتش مختار که یک گروه به شدت فرقه‌گرا است و یکبار موشکی برای حمله به مخالفان ایران [مجاهدین خلق] در کمپ لیبرتی شلیک کرد) اشاره کرد.

شبه‌نظامیان سابق «بدر» نیز عمیقاً در رهبری سیاسی عراق ادغام شده‌اند. شیخ عدنان الشهمانی که یکی از نمایندگان پارلمان عراق و عضو کمیته دفاع و امنیت ملی پارلمان است خود جنگجوی سابق «بدر» و رهبر حزب سیاسی «تیار الرسولی» است که یک گروه شبه‌نظامی هم دارد. در اوایل سپتامبر ۲۰۱۳، او تعدادی شبه‌نظامی فرقه‌گرا را برای محافظت از شیعیانی که در مناطق سنی‌نشین زندگی می‌کنند شکل داد. دو حزب مادر «واحد خراسانی» و «تیار الرسولی» هر دو از اعضای ائتلاف حکومت قانون هستند. این تنها بخشی از سازمان‌هایی است که برای تحمیل خواسته‌های ایران در عراق شکل گرفته‌اند.

قدرتمندترین نایبان ایران در عراق برای سر پا نگه داشتن رژیم اسد در دمشق به صورت تنگاتنگی با هم کار کرده‌اند. در اوایل سال ۲۰۱۳ «کتاب حزب‌الله» و «بدر» با هم «کتاب سیدالشهدا» (KSS) را شکل دادند تا در سوریه بجنگد. «کتاب سیدالشهدا» توسط ابومصطفی الشیبانی رهبری می‌شود که وابسته به بدر و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. ابومصطفی الخزعلی، دبیرکل این گروه نیز در سوریه مستقر و در حومه دمشق زخمی شد.

اکنون فرماندهانی که تجربه اولیه خود را در سوریه به دست آورده‌اند به خانه بر می‌گردند تا برای جدال در عراق نقش‌های سیاسی و نظامی بر عهده بگیرند. بعد از آن‌که گروه خزعلی نقش حزب سیاسی به خود گرفت و با در دست گرفتن قدرت در شهر بصره، لیست انتخاباتی «دولت قانون» نخست‌وزیر وقت نوری المالکی را دور زد، او در انتخابات پارلمان عراق در آوریل صاحب کرسی شد. رهبران «کتاب سیدالشهدا» همچنین درگیر مبارزه با دشمنان خانگی هستند: ابومجاهد المالکی که سرباز سابق «کتاب سیدالشهدا» از سوریه و مدیر کمپین خزعلی بود در حال جنگ در عراق در ماه آگست کشته شد.

«عصائب اهل حق» (AAH) یکی دیگر از نایبان مهم ایران در عراق بوده است. این گروه در طول جنگ عراق به عنوان شاخه مورد حمایت ایران از «ارتش مهدی» به رهبری مقتدی صدر که یک روحانی بنیادگرا است شکل گرفت و به سرعت تبدیل به گروه بزرگی شد. در طول جنگ به دزدیدن و اعدام پیمان‌کاران انگلیسی و سربازان آمریکایی مشهور شد. این گروه، جنگ‌جویان زیادی به سوریه فرستاده است و در اوایل سال ۲۰۱۴ شروع به استقرار در استان ناآرام الانبار عراق کرد تا با دشمنان سنی دولت بجنگد.

رشد این شبه‌نظامیان شیعه طرفدار ایران در عراق و بسیاری دیگر مانند آن‌ها به خوبی نشان‌دهنده هدف ایران برای تسلط بر عراق شیعی است. این گروه‌ها نه تنها از قابلیت‌های حمایتی و سازمانی ایران بهره می‌برند بلکه با لحن ایدئولوژیک تهران نیز هم‌سو هستند. آن‌ها به رهبر حکومت ایران یعنی آیت‌الله خامنه‌ای و ایدئولوژی این حکومت، یعنی ولایت مطلقه فقیه وفادارند. ولایت مطلقه فقیه برای رهبر، حداکثر قدرت سیاسی و مذهبی را قائل است. آن‌ها همچنین از مدل حزب‌الله (نایب لبنانی ایران) پیروی می‌کنند و قصد اجرای خواسته‌های ایران در منطقه و ادامه دادن به «انقلاب اسلامی» ایران را دارند.

همان‌طور که هدف داعش از بین بردن مرزهایی است که به دنبال جنگ جهانی اول در خاورمیانه ایجاد شد، شبه‌نظامیان شیعه حمایت‌شده توسط ایران نیز در این روند نقش دارند. تنوع نژادی بین شبه‌نظامیان شیعی عراقی و سوری درست مانند گروه جهادی‌های سنی مرزهای ملیتی را در نور دیده است: از ابتدای حضور شبه‌نظامیان شیعه در هر دو درگیری آن‌ها چنین استدلالاتی مطرح کردند که آن‌ها «دفاع از حرم‌ها» و «دفاع از شیعیان» را فارغ از موقعیت جغرافیایی آن‌ها در پیش می‌گیرند.

تیپ ابوالفضل العباس (LAFa) که برجسته‌ترین و قدیمی‌ترین شبه‌نظامیان شیعه خارجی در دمشق هستند نقشی اساسی در ترفیع مفهوم جنگ فرقه‌ای ایفا کرده‌اند. در ماه آگست، این گروه طرفدار ایران، تشکیل سازمان عراقی خود را اعلام کرد که از قرار در جنوب بغداد و احتمالاً نزدیک آمرلی مستقر شده است. ابوعلی الدراجی که یکی از فرماندهان سابق این گروه در دمشق است نیز با گرد هم آوردن جنگجویانی که در سوریه با آن‌ها همکاری کرده، «تیپ ابوالفضل العباس» خودش را تشکیل داده است. اغلب این شاخه‌های «تیپ ابوالفضل العباس» در مورد ایدئولوژی خود مبهم ظاهر شده‌اند. اما ارتباطشان با شبکه‌های ایران قویاً نشان می‌دهد که تهران شدیداً بر آن‌ها اعمال قدرت می‌کند.

درحالی‌که ایران ارتباطات گسترده‌ای با اکثر (اگر نگوییم همه) شبه‌نظامیان شیعه عراق دارد، سایر عناصر قدرتمند شیعی عراقی که با ایدئولوژی مطلقه ایران موافق نیستند نیز گروه‌های خود را شکل داده‌اند.

گروه «سرایا السلام» (تیپ صلح) به رهبری مقتدی صدر در ماه ژوئن گذشته تشکیل شد. درست حوالی زمانی که آیت‌الله‌العظمی علی سیستانی فتوای جهاد علیه داعش را صادر کرد. با اینکه فتوای سیستانی مشخصاً بیان می‌کرد که عراقی‌ها باید به ارتش عراق بپیوندند، جنگ‌جویان تیپ جدید صدر هیچ‌گونه وفاداری به سیستانی ندارند. با این وجود «سرایا السلام» به واسطه داشتن توانایی جذب ده‌ها هزار از حامیان صدری با مشکل کمبود جنگجو مواجه خواهد شد.

به جز گزارش‌های اندکی مبنی بر همکاری نایبان ایران در بعضی سطوح، نیروهای صدر سال‌ها است که با «عصائب اهل حق»، «بدر» و سایر گروه‌ها درگیری دارند. به علاوه، حزب سیاسی او هم‌اکنون با جبهه‌ای سیاسی همکاری می‌کند که با ائتلاف «دولت قانون» مخالف است.

در ابتدا هدف صدر از تشکیل «سرایا السلام» اساساً فعالیت‌های دفاعی بود. اما در ماه‌های گذشته این گروه شدیداً در فعالیت‌های تهاجمی سرمایه‌گذاری کرده است. امروز، قرارگاه‌های آن در تمام عراق از شهر سامرا تا شهر تازه آزادشده آمرلی و جرف النصر و دیاله در شرق گسترش یافته‌اند. تعداد افراد زیاد گروه «سرایا السلام» و افزایش فعالیت آن‌ها در درگیری‌ها و سوابق «ارتش مهدی» نشان می‌دهد که این گروه می‌تواند دوباره دست به کشتار وسیع فرقه‌ای بزند.

به دنبال فتوای سیستانی، «مجلس اعلای اسلامی عراق» (ISCI) به سرپرستی عمار الحکیم، «تیپ عاشورا» را تشکیل داد. این گروه با استفاده از دستگاه سیاسی و رسانه‌ای‌اش، دست به جذب نیرو زد و آن‌ها را در بغداد و سامرا مستقر کرد. در ماه جولای، نیروهای این گروه که از جنوب شرقی استان میسان می‌آمدند، تلفات سنگی را هنگام جنگ در استان الانبار متحمل شدند.

از آنجایی که رهبران سیاسی و روحانی، هر یک شبه‌نظامیان مخصوص به خود را در عراق سازماندهی کرده‌اند، گروه‌های حاشیه‌ای، گاه با دولت وارد درگیری شده‌اند. یکی از موارد غیرمعمول‌تر آن، روحانی شیعه حاشیه‌ای به نام محمود الصرخی بود. حامیان او وارد درگیری مسلحانه با نیروهای امنیت داخلی عراق شدند که منجر به مرگ هفت تن شد. با این‌که مثال «الصرخی» منحصر به فرد است، خطر درگیری‌های درون شیعه‌ای بسیار جدی است.

شبه‌نظامیان شیعه عراق همچنین، مقابل جامعه کردها قرار دارند. کردها یکی از هم‌پیمانان اصلی آمریکا در جنگ علیه داعش هستند. گروه شبه‌نظامی «حرکت حزب‌الله النجباء» که از «عصائب اهل حق» منشعب شده و یکی دیگی از نایبان ایران است و همین‌طور «کتاب حزب‌الله»، هر دو، مسعود بارزانی، رییس دولت اقلیم کردستان را به همکاری با «داعش» و گروه‌های بعثی متهم کرده‌اند و هشدارهای جدی علیه هرگونه فعالیت کردها در کرکوک داده‌اند. سخنگوی گروه «حرکت حزب‌الله النجباء» تا آنجا پیش رفت که گفت «اگر بارزانی به همکاری خود با جهادی‌ها ادامه دهد موشک‌های مقاومت اسلامی به اربیل برخورد خواهند کرد».

قدرت گرفتن روزافزون این شبه‌نظامیان نشان می‌دهد که با وجود برکناری مالکی از نخست‌وزیری، دولت عراق عمیقاً در دست نیروهای فرقه‌ای باقی مانده است. این شبه‌نظامیان عموماً استقلال عملیاتی خود را از بغداد حفظ کرده‌اند، حتی زمانی که از سازوکار نوپای دموکراسی در کشور سوءاستفاده می‌کنند تا برای تفوق بر نهادهای رسمی جلب حمایت کنند. آن‌ها صرفاً ضمیمه‌های دولت نیستند. آن‌ها خود دولت‌اند. آن‌ها به هیچ قدرتی در بغداد پاسخ‌گو نیستند و تنها به رهبران روحانی خود و تهران پاسخ‌گو هستند.

در حالی که این گروه‌های مسلح ظاهراً بر روی شکست داعش تمرکز دارند هم‌چنین انتظار می‌رود که در شکل‌گیری آینده جامعه شیعه عراق بسیار تاثیرگذار باشند. ایدئولوژی بنیادی و روابط سازمانی آن‌ها نشان می‌دهد که به ایران اجازه نفوذی بی‌سابقه در عراق را خواهند داد. اگر واشنگتن هم‌اکنون وارد عمل نشود تا جلوی این رشد را بگیرد ممکن است بسیار دیر دریابد و آن زمان عملاً بغداد را به تهران واگذار کرده باشد که از آن، هیچ راه برگشتی نیست.

منبع: فارن پالیسی

## ابهامات پیرامون همکاری تهران و پیونگ یانگ علی آلفونه



علی آلفونه (پژوهشگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها)  
ترجمه: رضا عرب



اما از ابتدای ۱۹۸۹ خاطرات او در مورد کره شمالی بسیار گنگ و مبهم می‌شود. تغییری که ممکن است بیان‌گر یک شبکه هسته‌ای در حال ظهور بین تهران و پیونگ‌یانگ باشد.

با نزدیک شدن به پایان مهلت مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵ ابهامات در مورد ماهیت رابطه تهران و پیونگ‌یانگ دوباره اهمیت یافته است. سوالات بسیاری پیرامون این ارتباط وجود دارد، اما خاطرات رییس اسبق جمهوری اسلامی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی که در حال حاضر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام است سوالات جدی‌تری را پیش کشیده است.

این خاطرات چندجلدی در طی ده سال گذشته به زبان فارسی منتشر شده‌اند. در تمام این نوشته‌ها رفسنجانی بسیار بی‌پرده به خرید سلاح‌های متعارف و موشک‌های بالستیک از پیونگ‌یانگ اشاره کرده است. برای مثال او آشکارا می‌نویسد که چگونه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دسامبر ۱۹۸۶، هشت موشک "اسکاد ب" و در مارچ ۱۹۸۷ پنج تای دیگر را از کره شمالی دریافت کرده است.



این خاطرات چندجلدی در طی ده سال گذشته به زبان فارسی منتشر شده‌اند. در تمام این نوشته‌ها رفسنجانی بسیار بی‌پرده به خرید سلاح‌های متعارف و موشک‌های بالستیک از پیونگ‌یانگ اشاره کرده است. برای مثال او آشکارا می‌نویسد که چگونه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دسامبر ۱۹۸۶، هشت موشک "اسکاد ب" و در مارچ ۱۹۸۷ پنج تای دیگر را از کره شمالی دریافت کرده است.

اما از ابتدای ۱۹۸۹ خاطرات او در مورد کره شمالی بسیار گنگ و مبهم می‌شود. تغییری که ممکن است بیان‌گر یک شبکه هسته‌ای در حال ظهور بین تهران و پیونگ‌یانگ باشد.

در ۲۹ فوریه ۱۹۸۹ رفسنجانی با توضیح این‌که نیازهای ایران بعد از اتمام جنگ با عراق تغییر کرده است از «کیم کوانگ چین» معاون وزیر دفاع کره شمالی درخواست می‌کند تا تعداد موشک‌های بالستیک سفارش داده شده توسط ایران را به نصف کاهش دهد. در عوض رفسنجانی پیشنهادی نامشخص از نوعی «تبادل تکنولوژی» را پیش می‌کشد.

در نوشته‌های مربوط به ۱۳ ژوئن ۱۹۹۱ رفسنجانی از گفتگوی خود با حسن فیروزآبادی رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح در مورد «موضوعات خاص و حساس» در ارتباط با کره شمالی می‌نویسد. در چهارم آگوست ۱۹۹۱ رفسنجانی از ابراز تمایل خود به واردات یک «کالای ویژه» در ازاء محموله‌های نفت ایران به کره شمالی در گفتگو با معاون نخست‌وزیر آن کشور خبر می‌دهد.

در نهم نوامبر ۱۹۹۱ رفسنجانی با دکتر مجید عباس‌پور مشاور فنی خود دیدار می‌کند. طی این گفتگو عباس‌پور به «پیشرفت در زمینه صنایع شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک و هسته‌ای» اشاره می‌کند و در مورد سفر آینده خود به کره شمالی از رییسش مشورت می‌گیرد. رفسنجانی این قسمت از نوشته‌هایش را با این عبارت به پایان می‌برد که او اصرار داشت نوعی «دانش فنی» (نامشخص) از طرف کره شمالی [برای ایران] فراهم شود.

رفسنجانی در خاطرات هشتم فوریه ۱۹۹۲ این‌گونه می‌نویسد: «کره شمالی نفت می‌خواهد اما کالای قابل عرضه دیگری جز آن "کالای ویژه" ندارد. ما نیز مایل به حل مشکل آنان هستیم.» سپس رفسنجانی به «ترکان» وزیر دفاع دستور تشکیل یک جلسه فوری را می‌دهد که در نهایت کارگروهی به وجود می‌آید. این کارگروه در نهایت به رفسنجانی توصیه می‌کند که «خطرات خرید کالای مورد نظر» را بپذیرد. رفسنجانی نوشته‌اش را این‌گونه به پایان می‌برد: «من به صورت کلی با رهبر گفتگو کردم و تصمیم گرفته شد که بر اساس مطالعه کارگروه عمل شود.»

در خاطرات نهم مارچ ۱۹۹۲، رفسنجانی به ردگیری محموله کره شمالی به مقصد سوریه توسط نیروی دریایی آمریکا اشاره می‌کند و با خوشحالی زیرکانه‌ای می‌نویسد که در همان زمان دو کشتی از محموله‌های کره شمالی به مقصد ایران از نظرها پنهان ماند. وقتی این دو کشتی در بندرعباس و چابهار تخلیه شدند رفسنجانی با شیعف اظهار می‌دارد که «آمریکایی‌ها خیلی شرم‌زده بودند.» با این‌که رفسنجانی هیچ‌گاه مستقیماً به خرید هسته‌ای از کره شمالی اشاره نکرده است، خاطرات او سوالات جدی بسیاری مطرح می‌کند. پاسخ به این سوالات به دولت آمریکا کمک خواهد کرد تا شانس یک توافق هسته‌ای پایدار با جمهوری اسلامی را بهتر ارزیابی کند.



## اقتصاد ایران در فروردین ماه: سایه سنگین مذاکرات هسته‌ای

سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی



مرکز مطالعات لیبرالیسم - سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی: اقتصاد ایران در بیشتر روزهای نیمه‌ی نخست فروردین ماه، به شدت چشم‌انتظار نتایج مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی بود. بلافاصله بعد از اعلام نتایج این مذاکرات و در حالی که همچنان تفسیرهای متفاوتی از توافق صورت‌گرفته در لوزان سوییس مطرح می‌شود، شماری از فعالان و مسوولان اقتصادی در اظهارنظرهایی مشابه به شدت نسبت به چشم‌انداز اقتصادی ایران ابراز خوش‌بینی کردند. ادامه کاهش بهای نفت، همچنین کاهش قیمت دلار و یورو در بازار تهران و اعلام اولویت‌های اقتصادی دولت برای امسال از دیگر خبرهای مهم نخستین روزهای سال ۱۳۹۴ محسوب می‌شوند.



توافق اولیه هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و کشورهای گروه ۵+۱ موجی از امیدواری در میان شماری از فعالان صنفی و مسوولان اقتصادی پدید آورد به گونه‌ای که بلافاصله بعد از اعلام آن، نسبت به پیامدهای اقتصادی توافق نهایی با غرب ابراز خوشبینی کردند.



## رکود اقتصادی سال گذشته و اهداف اقتصادی دولت در سال جدید

رئیس دفتر حسن روحانی روز ۱۱ فروردین‌ماه از "رونق اقتصادی" و "اشتغال‌زایی" به عنوان اولویت‌های نخست دولت در سال ۱۳۹۴ یاد کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، محمد نهاوندیان ابراز امیدواری کرد که «با ایجاد اشتغال، برخی از اهداف فرهنگی دولت از جمله ایجاد امید در جامعه و مقابله با ناامنی‌های ناشی از بیکاری نیز محقق خواهد شد».

وی با اشاره به نرخ تورم ۱۵ درصدی در سال ۱۳۹۳ افزود که دولت در سال گذشته تلاش کرده بود که بر روی مهار نرخ تورم و همچنین دیپلماسی فعال در عرصه روابط بین‌الملل متمرکز شود.

اشاره نهاوندیان به گزارش بانک مرکزی ایران از نرخ تورم در سال ۱۳۹۳ است که روز ۸ فروردین ماه منتشر شد.

بانک مرکزی در این گزارش، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۳ نسبت به دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۲ یعنی نرخ تورم سال ۱۳۹۳ را ۶/۱۵ درصد اعلام کرد.

پیش‌تر، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی نیز در پیام نوروزی خود از رونق پایدار، افزایش صادرات غیرنفتی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی به عنوان سه هدف اقتصادی دولت در سال ۱۳۹۳ یاد کرده بود.

با این همه، فرشاد مومنی، "اقتصاددان"، در یادداشتی با عنوان "وضعیت اقتصاد واقعا بهتر شده است؟" که روز ۵ فروردین ماه در وبسایت "خبرآنلاین" منتشر شد، نوشت که در سال ۱۳۹۳ نه تنها گشایش بزرگی در اقتصاد ایران رخ نداد بلکه «رکود در اقتصاد ایران ادامه یافت».

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، از دو عامل "بحران تقاضای موثر در سطح خانوارها" و "بحران تقاضای موثر توسعه‌ای از سوی دولت" به عنوان دو منبع اساسی "رکود در اقتصاد ایران" یاد کرد و افزود که علاوه بر این، در سال ۱۳۹۳ «بنگاه‌های اقتصادی زیادی تعطیل شده‌اند».

این کارشناس اقتصادی نوشت که اگرچه حجم زیادی از مشکلات اقتصادی کنونی ریشه در عملکرد دولت قبلی دارد اما «دولت جدید هم در حل بحران‌هایی که از گذشته مانده، نتوانسته عملکرد مناسبی داشته باشد».

### امیدواری به پیامدهای اقتصادی توافق هسته‌ای

توافق اولیه هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و کشورهای گروه ۵+۱ موجی از امیدواری در میان شماری از فعالان صنفی و مسوولان اقتصادی پدید آورد به گونه‌ای که بلافاصله بعد از اعلام آن، نسبت به پیامدهای اقتصادی توافق نهایی با غرب ابراز خوشبینی کردند.

از جمله، احمد نعمت‌بخش، دبیر "انجمن خودروسازان" گفت که بعد از چندین سال تحریم، هم‌اکنون «توافق هسته‌ای می‌تواند آغاز توسعه همکاری‌ها با کشورهای صاحب تکنولوژی و بزرگ باشد».

وی ابراز امیدواری کرد که برداشته‌شدن تحریم‌ها می‌تواند «ورود محصولات اروپایی و آمریکایی را به دنبال داشته باشد».

امیرحسن کاکایی، عضو "هیات علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت" نیز گفت که در پی لغو تحریم‌های غرب علیه ایران، «خودروسازان ایرانی می‌توانند رفته رفته با شرکت‌های بزرگ خارجی نسبت به انتقال فناوری وارد گفتگو شوند».

محمد بیاتیان، عضو "کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی" نیز گفت که توافق هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌ها می‌تواند «بسیاری از قطعات مورد نیاز داخلی را به خطوط تولید ایران برگرداند».

عباس آخوندی، "وزیر راه و شهرسازی" در دولت حسن روحانی نیز گفت که به دنبال توافق هسته‌ای، هرچند احتمالاً "نوسان‌هایی" در بازار مسکن رخ خواهد داد اما این نوسان‌ها "کوتاه مدت" و "مقطعی" خواهند بود چون دولت «درباره شوک‌های آبی برنامه‌ریزی کرده است».

حسن قالیباف اصل، مدیرعامل "شرکت بورس تهران" نیز از پرونده هسته‌ای ایران به عنوان "ابهام سیاسی بزرگی که اکنون برطرف شده" یاد و پیش‌بینی کرد که توافق هسته‌ای، «در کوتاه‌مدت باعث می‌شود که گرایش مطلوب و مثبتی نسبت به بازار سرمایه ایجاد شود».

گفتنی است تمامی این خوش‌بینی‌ها نسبت به چشم‌انداز اقتصادی ایران بعد از توافق لوزان سوییس به فاصله تنها ۲۴ ساعت بعد از انجام این توافق ابراز شد و این در حالی است که در ایران و غرب همچنان بحث‌های فراوانی درباره کیفیت این توافق در جریان است.

## نفت همچنان در سراسر آسیای

بهای نفت در دو هفته نخستین فروردین ماه سال ۱۳۹۴ نیز افزایش چشم‌گیری پیدا نکرد و در قیمت بشکه‌ای ۵۵ دلار باقی ماند. کارشناسان اقتصادی و بازار انرژی همچنان منتظر واکنش بهای نفت به توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های جهانی هستند.

در نخستین واکنش به توافق جمهوری اسلامی با کشورهای گروه ۵+۱، شیب سقوط آزاد قیمت نفت در بازارهای جهانی تندتر شد به گونه‌ای که قیمت هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال در بازار معاملات لندن با بیش از ۵ درصد کاهش به ۵۴ دلار و ۸۰ سنت رسید.

## رکود اقتصادی سال گذشته و اهداف اقتصادی دولت در سال جدید

رئیس دفتر حسن روحانی روز ۱۱ فروردین‌ماه از "رونق اقتصادی" و "اشتغال‌زایی" به عنوان اولویت‌های نخست دولت در سال ۱۳۹۴ یاد کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، محمد نهاوندیان ابراز امیدواری کرد که «با ایجاد اشتغال، برخی از اهداف فرهنگی دولت از جمله ایجاد امید در جامعه و مقابله با ناامنی‌های ناشی از بیکاری نیز محقق خواهد شد».

وی با اشاره به نرخ تورم ۱۵ درصدی در سال ۱۳۹۳ افزود که دولت در سال گذشته تلاش کرده بود که بر روی مهار نرخ تورم و همچنین دیپلماسی فعال در عرصه روابط بین‌الملل متمرکز شود.

اشاره نهاوندیان به گزارش بانک مرکزی ایران از نرخ تورم در سال ۱۳۹۳ است که روز ۸ فروردین ماه منتشر شد.

بانک مرکزی در این گزارش، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۳ نسبت به دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۲ یعنی نرخ تورم سال ۱۳۹۳ را ۶/۱۵ درصد اعلام کرد.

پیش‌تر، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی نیز در پیام نوروزی خود از رونق پایدار، افزایش صادرات غیرنفتی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی به عنوان سه هدف اقتصادی دولت در سال ۱۳۹۳ یاد کرده بود.

با این همه، فرشاد مومنی، "اقتصاددان"، در یادداشتی با عنوان "وضعیت اقتصاد واقعا بهتر شده است؟" که روز ۵ فروردین ماه در وب‌سایت "خبرآنلاین" منتشر شد، نوشت که در سال ۱۳۹۳ نه تنها گشایش بزرگی در اقتصاد ایران رخ نداد بلکه «رکود در اقتصاد ایران ادامه یافت».

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، از دو عامل "بحران تقاضای موثر در سطح خانوارها" و "بحران تقاضای موثر توسعه‌ای از سوی دولت" به عنوان دو منبع اساسی "رکود در اقتصاد ایران" یاد کرد و افزود که علاوه بر این، در سال ۱۳۹۳ «بنگاه‌های اقتصادی زیادی تعطیل شده‌اند».

این کارشناس اقتصادی نوشت که اگرچه حجم زیادی از مشکلات اقتصادی کنونی ریشه در عملکرد دولت قبلی دارد اما «دولت جدید هم در حل بحران‌هایی که از گذشته مانده، نتوانسته عملکرد مناسبی داشته باشد».

## امیدواری به پیامدهای اقتصادی توافق هسته‌ای

توافق اولیه هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و کشورهای گروه ۵+۱ موجی از امیدواری در میان شماری از فعالان صنفی و مسوولان اقتصادی پدید آورد به گونه‌ای که بلافاصله بعد از اعلام آن، نسبت به پیامدهای اقتصادی توافق نهایی با غرب ابراز خوشبینی کردند.

سازمان "اوپک" نیز در گزارشی اعلام کرد که در پنج روز نخست فروردین ماه سال جاری، قیمت نفت خام سبک و سنگین ایران در بازارهای جهانی به ترتیب به ۴۹ دلار و ۹۹ سنت و ۴۷ دلار و ۴۹ سنت برای هر بشکه کاهش پیدا کرده است.

این در حالی است که در تعطیلات نوروز سال ۱۳۹۴، حملات عربستان به یمن، بهای نفت را با اندکی افزایش مواجه کرد.

عربستان، دومین صادرکننده بزرگ نفت خام دنیا به شمار می‌رود و از سوی دیگر، کشور یمن نیز به خاطر نزدیکی با تنگه باب‌المنذب، آبراهی باریک بین دریای سرخ و خلیج عدن، از اهمیت فراوانی در بازار نفت دنیا برخوردار است چون بیشتر نفت دنیا از طریق این آبراه جابه‌جا می‌شود.

در پی حملات عربستان به یمن، بهای نفت حدوداً ۶ درصد افزایش یافت و حتی قیمت نفت خام برنت دریای شمال تا ۵۹ دلار و هفتاد و نه سنت رسید اما سرانجام در ۵۶ دلار و پنجاه سنت آرام گرفت.

به این ترتیب، بهای هر بشکه نفت در دو هفته نخست سال ۱۳۹۴ به طور میانگین ۵۵ دلار برآورد می‌شود.

از سوی دیگر، بیژن زنگنه، "وزیر نفت جمهوری اسلامی" روز ۱۵ فروردین ماه در گفتگو با خبرگزاری "ایسنا" تاکید کرد: «نخستین کاری که پس از برداشته شدن تحریم‌ها انجام می‌دهیم رساندن تولید نفت به سطح پیش از اعمال تحریم‌ها است.»

وی افزود که وزارتخانه تحت مدیریتش از "فرصت ایجادشده" برای "انتقال فناوری" و "ساخت داخلی تجهیزات" استفاده خواهد کرد.

در همین حال، یک مقام مسوول در "شرکت ملی نفت ایران" نیز رسماً اعلام کرد که امسال متوسط قیمت نفت از ۶۰ دلار بیشتر نمی‌شود. محسن قمصری، "مدیر امور بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران" روز ۱۴ فروردین ماه افزود که در بهترین حالت "نوسانات چند دلاری" در قیمت نفت رخ داد که این نوسانات احتمالی نیز «مربوط به بورس است.»

وی که با خبرگزاری "ایسنا" سخن می‌گفت، درباره مذاکره ایران با کشورهای اروپایی به منظور افزایش یک میلیون بشکه‌ای صادرات نفت ایران پس از لغو احتمالی تحریم‌ها خاطرنشان کرد: «طی دو سال اخیر مذاکراتی با پالایشگاه‌های غربی صورت‌گرفته، اما برای انعقاد قرارداد مذاکراتی نداشته‌ایم، زیرا تکلیف معلوم نبوده است.»

## آپارتمان به جای شالیزار و هزاران بنگاه اقتصادی غیرقانونی

رئیس "اتاق اصناف کشور" روز ۱۴ فروردین ماه در گفتگو با خبرگزاری "ایسنا" گفت که بر اساس آخرین آمار، در حال حاضر «حدود ۸۳۰ هزار بنگاه ثبت شده بدون پروانه کسب در کشور وجود دارد.»

علی فاضلی از "هدفمند کردن" و "سازماندهی بنگاه‌های بدون مجوز کسب" به عنوان یکی از اهداف اتاق اصناف در سال ۱۳۹۴ یاد کرد و افزود که اغلب تخلفات، در بنگاه‌های فاقد مجوز کسب صورت می‌پذیرد.

در همین روز، اسماعیل شهبازی، کارشناس اقتصادی نیز در گفتگویی با خبرگزاری "ایسنا" با انتقاد از وضعیت عرضه محصولات کشاورزی در ایران گفت که «در حال حاضر شرکت‌های تعاونی با ساختار دولتی به رقیب کشاورزان تبدیل شده‌اند و سعی می‌کنند به ارزان‌ترین قیمت، محصولات را بخرند.»

وی "فقدان فرآیند منسجم در بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی" را منجر به "استثمار شدن کشاورزان توسط واسطه‌ها و دلالان" دانست و تصریح کرد که به عنوان مثال، گوجه فرنگی در مزرعه کیلویی ۵۰۰ تومان است و اما در بازار ۴۵۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

آقای شهبازی خاطرنشان کرد: «اگر تولیدکنندگان قدرت نگهداری و بازاریابی محصولات را داشته باشند، سودی که مثل آب خوردن به جیب دلالان و واسطه‌ها می‌رود نصیب کشاورزانی خواهد شد که با زحمت، محصولات را تولید کرده‌اند.»

رئیس "سازمان امور اراضی کشور" نیز روز ۶ فروردین اعلام کرد که استان‌های "مازندران"، "تهران" و "البرز" به ترتیب جز "سه استان اول در معرض تخریب و ساخت و ساز غیر مجاز" هستند.

به گزارش خبرگزاری "مهر"، قباد افشار با انتقاد از ساخت و سازهای بی‌رویه بویژه در استان‌های شمالی کشور افزود که «طی ۲۵ سال گذشته با تغییر کاربری، مساحتی بالغ بر ۲۰ هکتار از اراضی کشاورزی مازندران با خطر بزرگی مواجه شده است.»

وی با ابراز تاسف از اینکه در حال حاضر «روستاها شمال کشور هویت خود را از دست داده‌اند» و به "ویلاسازی" و "زمین‌خواری" تبدیل شده‌اند، تصریح کرد: «۲۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی در معرض تهدید روستایی قرار دارند.»

آقای افشار "تغییر کاربری اراضی شالیزار" را یک "خیانت ملی" توصیف کرد که در نتیجه این شرایط، صنعت گردشگری به شدت مورد تهدید قرار گرفته است.

## چرا مرغ گران شد؟

در حالی که در آستانه نوروز ۱۳۹۴، مسوولان "وزارت جهاد کشاورزی" بارها از کنترل قیمت اقلامی همچون مرغ و گوشت و گران نشدن این اقلام در تعطیلات خبر داده بودند، اما قیمت مرغ نوسان کم‌سابقه‌ای را در تعطیلات نوروزی از سر گذراند به گونه‌ای که بهای آن تا ۸۵۰۰ تومان نیز افزایش یافت.

محمد یوسفی، رییس "انجمن پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی" روز ۶ فروردین ماه در گفتگو با خبرگزاری "مهر" از "عدم استقبال مردم از مرغ منجمد" به عنوان یکی از دلایل افزایش ناگهانی بهای مرغ در تعطیلات نوروزی یاد کرد و گفت: «بخشی از این مساله مربوط به امر فرهنگ‌سازی برای مصرف مرغ منجمد است که دولت باید بر روی آن کار می‌کرد چرا که قیمت این نوع مرغ پایین‌تر بود.»

وی با انتقاد از تفاوت قیمت مرغ در مراکز عرضه آن افزود: «قیمت مرغ زنده برای مرغ‌هایی که در میادین (به قیمت ۶۹۸۰ تومان) و در مغازه‌ها (به قیمت بیش از ۷۰۰۰ تومان) عرضه می‌شدند؛ یکی بوده است. چه دلیلی وجود دارد که بهای این کالا در مراکز عرضه مختلف، متفاوت باشد؟»

این فعال صنفی خواستار رسیدگی نهادهای نظارتی بر قیمت مختلف مرغ در فروشگاه‌ها شد و ادامه داد: «کارها در دستگاه‌های دولتی هماهنگ با هم نیست و هر کس کار خودش را انجام می‌دهد.»

در همین روز، رییس "اتحادیه پرنده و ماهی" نیز با انتقاد از عدم موفقیت وزارت جهاد کشاورزی در عمل به وعده‌اش مبنی بر کنترل بازار مرغ در روزهای تعطیل گفت که قیمت مرغ از ۷۰۰۰ تومان در روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ با افزایش خیره‌کننده و در عرض کمتر از یک هفته به ۸۱۰۰ و ۸۵۰۰ تومان رسید.

مهدی یوسف‌خانی که با خبرگزاری "مهر" سخن می‌گفت، این افزایش شدید قیمت را "موقتی" دانست و ابراز اطمینان کرد که بهای مرغ بلافاصله بعد از پایان تعطیلات به شدت کاهش خواهد یافت و به قیمت‌های معمول خود بازمی‌گردد.

## کمک‌های هنگفت ایران به سوریه

خبرگزاری "مهر" روز ۱۱ فروردین ماه به نقل از "روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران" گزارش داد که بر اساس توافق ایران و گروه ۱+۵، مبلغ ۴۹۰ میلیون دلار از منابع بانک مرکزی در ژاپن در قالب قسط پنجم به حساب این بانک در کشور عمان واریز شد.

بر پایه این گزارش، مبلغ کل این دور از توافقات ۴/۹ میلیارد دلار بوده که طی ده قسط ۴۹۰ میلیون دلاری واریز می‌شود. هم‌زمان با انتشار این خبر، یک مقام مسوول در "وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی"، از کمک ۴/۲ میلیارد دلاری دولت ایران به سوریه در چهار سال گذشته خبر داد.

"معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی" گفت که این حکومت از زمان آغاز بحران داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱، به ارزش ۴/۲ میلیارد دلار انواع کمک‌های "بشر دوستانه" به سوریه ارسال کرده است. به گزارش "خبرگزاری صداوسیما"، حسین امیرعبداللّه‌یان در جریان کنفرانسی در کویت گفت که این مبلغ به صورت "کمک‌های غذایی و سوخت برای خانواده‌ها و آمبولانس" به سوریه ارسال شده و «به دولت سوریه و جامعه مدنی این کشور تحویل شده است».

## دلار و یورو ارزان شدند

بهای دلار در بازار آزاد تهران که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ به ۳۴۰۰ تومان رسیده بود، هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی، روندی نزولی داشت به گونه‌ای که بهای آن در روز ۱۰ فروردین ماه برای نخستین بار در سال خورشیدی جدید، ۳۲۸۸ تومان گزارش شد.

دلار امریکا در نیمه فروردین نیز با اندکی کاهش به ۳۲۸۰ تومان رسید.

بهای یورو نیز تقریباً چنین روندی را تجربه کرد. یورو که در آخرین روزهای کاری سال ۱۳۹۳ به بهای ۳۶۵۰ تومان معامله شده بود، در نیمه فروردین ماه به ۳۵۹۰ تومان کاهش یافت.

اما سکه تمام بهار آزادی نوسان کمتری را تجربه کرد و بهای آن از ۹۴۰ هزار تومان در پایان سال گذشته، با اندکی افزایش به ۹۴۱ هزار تومان رسید.

نیم‌سکه بهار آزادی نیز از ۵۲۳ هزار تومان در پایان اسفندماه سال گذشته به ۵۲۷ هزار تومان در روز ۱۴ فروردین ماه سال ۱۳۹۴ افزایش یافت اما روز ۱۵ فروردین با افتی شدید و ناگهانی به ۵۱۱ هزار تومان ۵۰۰ تومان رسید.

بورس تهران نیز واکنشی سریع، کوتاه‌مدت، و مثبت به توافق هسته‌ای ایران و غرب نشان داد که در این میان، شرکت‌های بانکی همچون بانک‌های ملت و صادرات و شرکت‌های خودرویی مثل ایران‌خودرو، پارس‌خودرو و سایپا، بیشترین تقاضای خرید بازار سهام را به خود اختصاص دادند.

شاخص کل بورس تهران نیز در پایان نیمه نخست فروردین ماه به ۶۷۸۲۷ واحد رسید.

## قاچاق در جمهوری اسلامی "رسمیت" یافت

محمدرضا دیانی، رییس "مجمع کارآفرینان" روز ۱۲ اسفندماه در یک نشست خبری، با تاکید بر این‌که «بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد کالاهای قاچاق‌شده از طریق قاچاق رسمی وارد کشور می‌شوند» گفت که در این روش، واردکنندگان "کم‌اظهاری" یا "بداظهاری" می‌کنند و «کالا را از طریق تعرفه دیگری، به نام یک کالای دیگر وارد کشور می‌شود».

به گزارش خبرگزاری "ایسنا"، آقای دیانی با بیان این‌که «در حال حاضر خیلی‌ها کارت بازرگانی دارند اما خودشان خبر ندارند!»، برای نمونه از واردات ۱۸۰۰ خودروی لوکس به کشور به نام یک "زن روستایی" خبر داد و فاش کرد که بعضی از واردکنندگان دارای کارت بازرگانی، تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند.

او افزود: «باید پیگیری شود این کارت‌ها به نام چه کسانی است؟»

ولی‌الله سیف، رییس کل "بانک مرکزی ایران" روز ۴ اسفندماه "خروج چمدانی ارز از کشور" را تلویحا تایید کرد و گفت که «بانک مرکزی در رابطه با بازار طبیعتا وظایفی دارد که در حال انجام آن است».

این سخنان آقای سیف ساعاتی بعد از آن ابراز شد که الیاس نادران، عضو "کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی"، از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر توقیف "محموله‌های چمدانی اسکناس ارزی" در فرودگاه تهران خبر داد و گفت که این ارزها «از مبادی رسمی و با تایید بانک مرکزی از کشور خارج شده است».

به گزارش خبرگزاری "تسنیم"، آقای نادران فاش کرد که یکی از این محموله‌ها «با دستور دادستان تهران در فرودگاه توقیف و عودت و منجر به تشکیل پرونده قضایی شده است» و گفته می‌شود «این ارزها همان ارزهای آزادشده از توافقنامه ژنو است».

در همین روز، خبرگزاری "ایسنا" از قول "رهبر جمهوری اسلامی" نوشت که وی در سخنانی به مناسبت "روز مهندس"، رقم‌های اعلام‌شده درباره میزان قاچاق در کشور را "بسیار عجیب" توصیف کرده و در عین حال گفته: «این توجیه منطقی نیست که به بهانه جلوگیری از قاچاق و دریافت سود گمرکی، راه واردات انبوه به کشور به صورت رسمی باز شود».

علی خامنه‌ای افزود: «امروز فشار واردات، کشور را دارد از پا درمی‌آورد و در خصوص میزان واردات قاچاق به کشور نیز ارقام بسیار عجیبی مطرح است».

به نوشته "ایسنا"، این سخنان خامنه‌ای در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندس در روز ششم بهمن ماه گذشته ابراز شده بود.

## ورود پول‌های "کثیف" به انتخابات

اما در نیمه اول اسفندماه، جنجالی‌ترین سخنان مربوط به فساد در جمهوری اسلامی از زبان وزیر کشور دولت حسن روحانی بیان شد.

عبدالرضا رحمانی فضل‌ی روز ۲ اسفندماه گفت که بخشی از پول‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر «به حوزه سیاست وارد می‌شود و در قالب کمک در انتخابات و تصمیم‌سازی‌ها مصرف می‌شود» و «بخش عظیمی از فساد اخلاقی در کشور نیز به موضوع ورود پول‌های کثیف به سیاست بازمی‌گردد».

به گزارش خبرگزاری "فارس"، وابسته به سپاه پاسداران، آقای رحمانی فضل‌ی در توضیح چگونگی ورود این پول‌ها به فضای سیاسی گفت: «وقتی یک نامزد شورای شهری دو میلیارد تومان خرج می‌کند و از او پرسیده می‌شود که این پول را از کجا آوردی، می‌گوید دوستان کمک کرده‌اند.» او ادامه داد: «این پول‌های کثیف و قاچاق به همه جا نفوذ کرده و تأثیر خود را گذاشته است».

این سخنان آقای رحمانی فضل‌ی بلافاصله با واکنش فرمانده نیروی انتظامی همراه شد.

اسماعیل احمدی‌مقدم گفت که «هرچند در گذشته مواردی از این دست وجود داشته» اما «بر خلاف برخی کشورها که این پول‌ها در عرصه سیاست تعیین‌کننده است، در کشور ما این‌گونه نیست».

به گزارش خبرگزاری "تسنیم"، وی تایید کرد که «قاچاقچیان و حتی واردکنندگان کالا به‌طور رسمی تلاش می‌کنند با نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تصمیم‌ها را به‌نفع خود تغییر دهند».

در این میان، علی لاریجانی، رییس "مجلس شورای اسلامی"، روز ۱۳ اسفندماه با انتقاد از سخنان وزیر کشور پرسید: «این‌گونه مبهم حرف زدن چه فایده‌ای جز ایجاد شبهات بلاوجه برای کشور دارد؟»

وی ادامه داد: «مگر مملکت قانون ندارد؟ اگر کسی از این‌گونه اقدامات اطلاعی دارد باید در اختیار قوه قضاییه قرار دهد تا رسیدگی شود».

پیش از آن نیز ۳۰ عضو مجلس شورای اسلامی با امضای نامه‌ای از وزیر کشور خواستند تا با حضور در این مجلس درباره‌ی اظهاراتش توضیحات بیشتری ارائه دهد.

با این حال، آقای رحمانی فضل‌ی روز ۱۵ اسفندماه با تأکید بر سخنان پیشینش گفت: «وقتی زیرمیزی، رانت، قاچاق کالا، نابرابری‌ها وجود داشته باشد این موضوع به منابع مالی غیررسمی یا همان پول‌های کثیف مرتبط می‌شود... قاچاق کالا و ارز حداقل ۱۰ هزار میلیارد تومان و مواد مخدر نیز همین مقدار پول کثیف وارد اقتصاد می‌کند».

دبیرکل "ستاد مبارزه با مواد مخدر" افزود: «کسی که این پول‌ها را دارد آدم می‌خرد، حق حساب می‌دهد و رشوه پرداخت می‌کند پس به عقیده من ما از بعد اقتصادی مواد مخدر غفلت کرده‌ایم».

## صرافی غیرمجاز حسین فریدون

وب‌سایت "افکارنیوز" روز ۵ اسفندماه در گزارشی نوشت که صرافی برادر رییس جمهوری اسلامی از مجوز بانک مرکزی برخوردار نیست و با این وجود، در زمینه‌های اقتصادی گسترده‌ای فعالیت می‌کند.

بر پایه‌ی این گزارش، حسین فریدون، برادر و دستیار ویژه حسن روحانی در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۰ با شرکای خود به نام‌های علی صدقی و علی اسدیان (رییس هیأت مدیره گروه تجاری آوا) اقدام به تاسیس "صرافی تضامنی صدقی و شرکا" کرد. با این وجود، «نامی از این شرکت تضامنی در بین صرافی‌های مجاز بانک مرکزی دیده نمی‌شود». به نوشته "افکارنیوز" آقای فریدون و دوستانش چهارماه بعد از ثبت این شرکت، یعنی در اردیبهشت سال ۹۱، اقدام به تاسیس یک شرکت دیگر به نام شرکت "آوا نوتریگا" (زیرمجموعه گروه تجاری آوا) کردند که این شرکت در تمام زمینه‌های تجاری هم‌چون تجارت خشکبار، محصولات کشاورزی، صنایع دستی و محصولات بصری و حتی اخذ وام از بانک‌های خارجی فعالیت می‌کند.

این گزارش می‌افزاید که آدرس و شماره ثبت شرکتی که فعالیت این گروه تجاری را تسهیل می‌کند با شرکت‌های تاسیس‌شده توسط حسین فریدون یکسان است.

## بیکاری؛ مهندسان کشاورزی و معدن در جستجوی کار

خبرگزاری "مهر" روز ۱۳ اسفندماه با انتشار گزارشی ضمن اشاره به "دو برابر" بودن نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان در ایران نوشت که «نرخ بیکاری برای زنان جوان زیر ۳۰ سال کشور تا ۵۰ درصد نیز تخمین زده شده است».

این گزارش می‌افزاید که «طبق آمارهای موجود بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی و توسعه‌ای کشور نقش ندارند».

به نوشته "مهر"، بر اساس جدیدترین آمارها مربوط به پاییز گذشته، نرخ بیکاری در بهترین وضعیت برای استان مرکزی ۵/۵ درصد و در بدترین وضعیت در استان کرمانشاه ۳/۱۵ درصد گزارش شده است و به این ترتیب، شکاف بیکاری در ایران ۸/۹ درصد برآورد می‌شود. در همین روز، یک عضو "کمیته دانشجویی معدن" نیز از بیکاری بیش از ۵۰ درصد از فارغ‌التحصیلان این رشته در ایران خبر داد.

به گزارش خبرگزاری "ایسنا"، آقای دارابی گفت که تنها بخش اندکی از دانشجویانی که بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ در رشته معدن فارغ‌التحصیل شده‌اند، موفق شدند در شغلی مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به کار شوند.

سه روز پیش‌تر نیز، استانداران مازندران در جمع شماری از مهندسان این استان اعلام کرد که از بین ۱۴ هزار مهندس کشاورزی در مازندران، بیش از ۹ هزار نفرشان بیکار هستند.

به گزارش خبرگزاری "مهر"، ربیع فلاح جلودار، بیکاری این قشر عظیم مهندسان کشاورزی در استان مازندران به عنوان قطب کشاورزی ایران را نتیجه "ایرادی بزرگ در مدیریت" توصیف کرد.

پیش‌تر نیز رییس "سازمان نظام مهندسی کشاورزی" از بیکاری دوسوم مهندسان کشاورزی کشور خبر داده بود.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، احمد کیبیری روز ۵ اسفندماه گفته بود که در سازمان نظام مهندسی کشاورزی «بیش از ۲۱۰ هزار نفر مهندس کشاورزی در بخش‌های مختلف عضویت دارند که حدود دوسوم آن‌ها جویای کارند».

## حامل‌های انرژی در مسیر افزایش قیمت

به دنبال برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر افزایش قیمت برق، سرانجام معاون اول رییس‌جمهوری اسلامی روز ۹ اسفند مصوبه دولت مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی قیمت برق خانگی و کشاورزی و همچنین افزایش ۲۰ درصدی قیمت برق در سایر بخش‌ها را برای اجرا از اول اسفندماه به "وزارت نیرو" و "سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور" ابلاغ کرد.

اسحاق جهانگیری در همین روز در حاشیه همایشی در تهران با دفاع از این مصوبه هیات وزیران، ضمن تاکید بر این‌که «افزایش قیمت برق هیچ مغایرتی با قانون ندارد»، گفت که مجلس شورای اسلامی سال گذشته مجوز افزایش ۳۷ درصدی قیمت برق را صادر کرد اما دولت، افزایش قیمت برق را "به لطف خدا" و "با لحاظ کردن شرایط سخت مردم" اعمال کرده است.

با این حال، اعضای مجلس شورای اسلامی ضمن تبری جستن از این تصمیم دولت تاکید کردند که این اقدام دولت، ربطی به این مجلس ندارد.

از جمله، جعفر قادری، عضو "کمیسیون برنامه و بودجه مجلس" در گفتگو با خبرگزاری "موج"، با بیان این‌که افزایش قیمت برق برای سال ۹۳ در نظر گرفته شده بود، گفت که «در بودجه ۹۴ افزایش قیمتی پیش‌بینی نشده» و «اگر افزایش قیمت برق صورت گرفته، مربوط به بودجه ۹۳ بوده است».

وی با یادآوری اینکه «دولت در پرداخت یارانه نقدی هم مشکل بودجه دارد»، تصریح کرد که دولت از محل افزایش قیمت برق، "کسب درآمد" می‌کند.

افزایش بهای حامل‌های انرژی اما تنها به برق محدود نماند.

خبرگزاری "مهر" روز ۱۳ اسفندماه از قول "یک مقام مسوول در وزارت نفت" نوشت که این وزارتخانه، دو برنامه زمان‌بندی برای افزایش پنج درصدی قیمت بنزین در نظر دارد.

وی تصریح کرد که احتمال اعمال این افزایش قیمت در دو تاریخ یکم و ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۹۴ وجود دارد.

در همین حال، شماری از فعالان صنعت برق نیز نسبت به وضعیت وخیم این صنعت به شدت هشدار داده‌اند. حمیدرضا صالحی، عضو "سندیکای صنعت برق ایران" گفته که طبق پیش‌بینی‌ها، «برای تابستان سال آینده با ۶۸۰۰ مگاوات کسری و کمبود برق روبرو هستیم».

علی‌رضا کلاهی، رییس این سندیکا نیز خاموشی در تابستان سال آینده را "قطعی" دانست، و گفت که «رکود فعلی در صنعت برق مهم‌ترین عامل خاموشی‌های سال آینده به شمار می‌رود».

وی با انتقاد از روند خصوصی‌سازی در کشور به ویژه در صنعت برق افزود که «تنها ۴ درصد خصوصی‌سازی‌های انجام‌گرفته به بخش خصوصی، "واقعی" بوده است».

## بودجه ۹۴ تصویب شد

اعضای مجلس شورای اسلامی سرانجام روز ۱۲ اسفندماه، با ۱۴۴ رای موافق، ۳۳ رای مخالف و شش رای ممتنع از مجموع ۱۹۵ عضو حاضر، بودجه ۸۴۴ هزار میلیارد تومانی سال ۱۳۹۴ را تصویب کردند.

## چهار مبنای سیاست‌گذاری و پنج سیاست کلان و به هم پیوسته جمهوری اسلامی

مجید محمدی



جمهوری اسلامی خلاصه می‌شود در جاه‌طلبی، فساد،  
فرقه‌گرایی و تبعیض

سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی عبارتند از دشمنی  
کینه‌توزانه با غرب، تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها و غیر  
خودی‌های شیعه، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار  
جمعی، شیعی‌گرایی و تحمیل سبک زندگی و ایدئولوژی  
اسلام‌گرایان بر کلیت جامعه.

اگر نگاهی به سخنان علی خامنه‌ای در ۲۶ سال گذشته و قبل از  
آن به سخنان خمینی برای یافتن سیاست‌های مورد تاکید آنها  
که سیاست حکومت هم بوده بیندازید به پنج موضوع محوری  
بر می‌خورید:



برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری  
اسلامی قرار است جاه‌طلبی‌های  
امپریالیستی مقامات جمهوری  
اسلامی را برای شکل دادن  
به امپریالیسم اسلامی آنان  
برآورده کند



پیش از این، احمد توکلی، عضو باسابقه مجلس شورای اسلامی در یادداشتی که روز یکم اسفندماه در خبرگزاری «فارس» منتشر شد، پیش‌بینی کرده بود که بودجه سال آینده به اندازه ۴۱ درصد از منابع عمومی دولت در بودجه یعنی ۸۹ هزارمیلیارد تومان با کسری مواجه خواهد شد.

او همچنین دولت را به «استفاده از روش‌های غیرعلمی» و «تبلیغاتی» مبنی بر فقدان کسری بودجه سال آینده متهم کرد.

وی هشدار داد که بودجه‌نویسی دولت حسن روحانی به گونه‌ای است که «کشور در سال‌های آینده با کسری بودجه شدیدتری مواجه خواهد شد».

در همین حال، «بانک مرکزی ایران» روز ۵ اسفند، اعلام کرد که نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به بهمن، به ۸/۱۵ درصد کاهش یافته است. این بانک نرخ تورم دی ماه را ۳/۱۶ درصد اعلام کرده بود.

«مرکز آمار ایران» نیز از کاهش نرخ تورم از ۸/۱۵ در دی ماه به ۲/۱۵ در بهمن ماه خبر داد.

از سوی دیگر، پیمان قربانی، «معاون اقتصادی بانک مرکزی ایران» روز چهارشنبه ششم اسفندماه در گفتگو با خبرگزاری دولتی «ایرنا» حجم نقدینگی کشور در پایان دی ماه را ۶۸۷ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت که این رقم نسبت به دی ماه سال گذشته، تقریباً ۲۳ درصد رشد یافته است.

### ارز، طلا و بورس

بهای دلار آمریکا از ۲۴۲۵ تومان در روز اول اسفندماه به ۳۴۱۹ تومان در ۱۵ اسفندماه کاهش یافت و بهای یورو نیز از ۳۹۳۰ تومان با کاهشی ۱۱۵ تومانی به ۲۸۱۵ تومان در نیمه اسفندماه رسید. قیمت «سکه تمام‌بهار آزادی» نیز از ۹۹۲,۰۰۰ تومان در ابتدای اسفند به ۹۷۹,۵۰۰ تومان در میانه این ماه کاهش یافت. بهای «سکه نیم‌بهار آزادی» نیز از ۴۹۹,۰۰۰ تومان به ۵۰۹,۰۰۰ تومان در میانه اسفندماه افزایش یافت.

بورس تهران نیز در میانه اسفندماه به تعادل نسبی رسید و با افزایش نسبی ارزش و حجم معاملات مواجه شد که این روند، از شدت افت شاخص کاست.

شاخص بورس در ۱۵ اسفندماه در مرز ۶۴ هزار واحد متوقف شد و به این ترتیب، زیان سهامداران را به ۱۹ درصد رساند. این در حالی است که شاخص بورس در ابتدای امسال رقم ۸۹ هزار واحدی را نشان می‌داد.

۱) دشمنی با ایالات متحده و متحدانش به هر طریق ممکن

۲) مهندسی فرهنگی و اجتماعی

۳) پیشبرد برنامه‌های مربوط به کسب سلاح‌های کشتار جمعی

۴) اعمال تبعیض علیه زنان، هم‌جنس‌گرایان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و دگراندیشان

۵) افزایش جمعیت. در دهه‌ی هفتاد که خامنه‌ای همه‌ی رشته‌های کار را در دست نداشت سخنی از افزایش جمعیت نمی‌گفت، دولت‌های رفسنجانی و خاتمی سیاست کنترل جمعیت را به پیش بردند اما خامنه‌ای بعد از حذف عمل‌گرایان و اصلاح‌طلبان از مقامات کلیدی، این سیاست را در پیش گرفت. خمینی در طول دوران زمام‌داری مشوق افزایش جمعیت بود و رشد جمعیت در این دوره به ۳۰۹ درصد رسید.

ظاهرا رابطه‌ای میان این پنج سیاست دیده نمی‌شود اما هم مبانی و هم روش اجرای این سیاست‌ها به خوبی نشان می‌دهد که این پنج سیاست با هم ارتباط وثیق دارند. در این نوشته ارتباط هر یک از این پنج سیاست را با سیاست‌های دیگر نشان خواهم داد.

## چهار مبنا

هر پنج سیاست در چهار مبنای جمهوری اسلامی ریشه دارند. مقامات جمهوری اسلامی از آغاز تاسیس به دنبال ”صدور انقلاب و حمایت از مستضعفان عالم“ و بعد ”گسترش حوزه‌ی استراتژیک“ این حکومت بوده‌اند تا جاه‌طلبی‌های سیاسی خود را ارضا کنند. آن‌ها هیچ مانعی بر سر راه خود در ایران و دیگر مناطق نمی‌بینند و خط قرمزی برای آن‌ها در کسب قدرت و ثروت و منزلت وجود ندارد (مجوز فساد برای خودی‌ها). حکومت به دلیل گران‌بار بودن وزن روحانیون شیعه به دنبال بسط شیعی‌گری است، چه در داخل در مناطق سنی‌نشین (با جابجایی جمعیتی و از اکثریت انداختن سنی‌ها در مناطقی که اکنون اکثریت دارند و چه با تبلیغ مذهبی برای تغییر دین سنیان) و چه در خارج کشور. مبنای چهارم حکومت نیز تبعیض است که هم امتیازات خاصی به روحانیون و پاسداران و بسیجی‌ها می‌بخشد و هم غیرخودی‌ها را از حقوق خویش محروم می‌کند. این مبانی چهارگانه خود را در پنج سیاست زیر متجلی می‌کنند.

## دشمنی با غرب

دشمنی با غرب تحکیم‌کننده‌ی قدرت و ثروت اسلام‌گرایان حاکم است با سرکوب باورمندان به هم‌پیمانی با کشورهای غربی و به جریان انداختن و تحکیم اقتصاد زیرزمینی. مبنای توجیهی و پوشش مهندسی فرهنگ و جامعه، دشمنی با غرب است. روش بروز این دشمنی پیش‌برد برنامه‌ی هسته‌ای، حمایت از تروریسم در منطقه و محدود کردن مبادلات فرهنگی با غرب و محدود کردن اهل فرهنگ در داخل برای مقابله با مصرف کالاهای فرهنگی غربی و حذف منتقدان داخلی است. بسیاری از تبعیض‌ها با این توجیه صورت می‌گیرد که حکومت در زمان مواجهه با دشمنان به همراهان قدرتمند و ثروتمند و نام و نشان‌دار که مراکز کلیدی کشور را در اختیار داشته باشند نیاز دارد. بورسیه‌های غیرقانونی در دانشگاه با همین توجیهات اعطا می‌شوند.

## برنامه هسته‌ای

برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی قرار است جاه‌طلبی‌های امپریالیستی مقامات جمهوری اسلامی را برای شکل دادن به امپریالیسم اسلامی آنان برآورده کند. این جاه‌طلبی‌ها صرفا در عکس‌العمل در برابر غرب عرض اندام می‌کنند. بدون دنبال کردن پروژه‌ی دشمنی با غرب، برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی به تمامه برای جمهوری اسلامی مخاطره‌آمیز و ضرر اندر ضرر بوده گرچه این برنامه در هر صورت برای کشور مخاطره‌آمیز و فاجعه‌بار بوده است. مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند این برنامه که تا کنون بیش از صد میلیارد دلار برای آن هزینه شده و صدها میلیارد دلار هم خسارت ناشی از تحریم‌ها را در بر داشته برای تولید برق و ابزارهای پزشکی است اما با سرمایه‌گذاری کمتر از این، می‌شد هم برای مردم ایران در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر (باد، سوخت زیستی، و خورشیدی) شغل ایجاد و هم تا صدها سال برق تولید کرد.

## افزایش جمعیت

خامنه‌ای جمعیت ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیونی را نیز برای ارضای جاه‌طلبی‌های خود و حکومت می‌خواهد. ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون جمعیت نه با منابع آبی کشور می‌خواند، نه با رشد منفی اقتصادی چند سال اخیر و نه با میزان ایجاد شغل در کشور که تصویری سیاه از آن در برابر ماست. جمهوری اسلامی بر خلاف سخن حسن روحانی هنوز از رشد منفی اقتصادی خلاصی نیافته و در سال‌های آینده حدود ۴ میلیون نفر به خیل بیکاران آن افزوده خواهد شد. افزایش جمعیت برای قدرت‌نمایی در برابر قدرت‌های بزرگ، افزایش جمعیت شیعیان دنیا، و افزایش جمعیت فقراى کشور، برای تسهیل استخدام نیروی ارزان توسط سازمان‌های سرکوب است.

ایران نه تنها نمی‌تواند غذای ۱۵۰ میلیون نفر را تامین کند بلکه منابع آبی موجود برای جمعیت موجود نیز با برداشت غیرعلمی آب، کافی نیستند. منابع آبی کشور در حال حاضر به پایین‌ترین سطح خود رسیده و دشت‌ها برای خشک شدن از هم‌دیگر سبقت می‌گیرند. نیمی از حدود ۶۰۰ دشت ایران، دیگر غیر قابل بازگشت هستند (ابتکار، ۲۷ شهریور ۱۳۹۳) و ۷۸ درصد دشت‌ها رو به نابودی (معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا، ۱ مهر ۱۳۹۳). برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی به بالای ۸۰ درصد رسیده و تبخیر زیاد، بارش کم و برداشت بی‌رویه، سفره‌های زیرزمینی را هم خالی کرده و سدها را یکی یکی می‌خشکاند. ایران نه تنها در مدیریت اکوسیستم‌های آبی از میان ۱۳۲ کشور جهان رتبه ۱۳۰ را دارد بلکه در مصرف حفره‌های درونی زمین مخرب‌ترین کشور دنیا لقب گرفته است. سفره‌های زیرزمینی از آب به دلیل برداشت بی‌رویه برای کشت محصولات کشاورزی در حال خالی شدن هستند در حالی که ایران فقط حدود ۴۰ درصد از غذای خود را تولید می‌کند. با حفر بیش از ۶۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز، بیلان منفی برداشت آب که در سال ۵۷ زیر ۱۰۰ میلیون متر مکعب بوده تا سال ۹۲، ۱۱۰ برابر شده است (ابتکار ۲۷ شهریور ۱۳۹۳). جمعیت کشور تا کنون برای نان، دستش به سوی حکومت دراز بوده؛ حکومت می‌خواهد از این به بعد برای آب هم دست‌ها به سوی مقامات دراز شود.

## مهندسی فرهنگی

همه‌ی هم و غم برنامه‌ی مهندسی فرهنگی رژیم (حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی، سانسور، فیلترینگ،



## امر به معروف و نهی از منکر و سلطه‌ی هویت دینی بهزاد مهرانی



امر به معروف و نهی از منکر در منظومه‌ی فکری-عملی مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد. هر چند این عمل یک حکم دینی نیست و یک اصل فقهی محسوب می‌شود اما در باور بسیاری از مسلمانان معتقد، انجام این دو عمل لازمه‌ی نگهداری و حفظ و بقای اس و اساس دین شناخته می‌شود. گویا بدون انجام امر به معروف و نهی از منکر، دین خدا در عرصه‌ی بیرونی و اجتماع یار و یآوری ندارد و از این رو این دو عمل عامل حفظ دین است تا دین خدا به کژراهه نرود و از این جا است که انجام این امر بر عهده‌ی فرد یا افراد خاصی فقط نیست بلکه کل جامعه‌ی دینی، از آن حیث که دینی است و کل افراد جامعه از آن حیث که مومن هستند برای حفظ دین موظف و مکلف به امر به معروف و نهی از منکر هستند زیرا که دوری از دین تنها بی‌دینان را گزند نمی‌رساند بلکه خشک و تر با هم می‌سوزند.



اگر بپذیریم که در جهان جدید انسان تک‌هویتی نیست، خواهیم دید که حفظ هویت دینی به عنوان یک هویت غالب و قاهر اساساً معنای محصلی ندارد



بشقاب‌های ماهواره‌ای) متمرکز است بر ایجاد یک فرهنگ بدیل "اسلامی" در برابر غرب. از نتایج مهم این برنامه البته ارباب و کنترل عمومی است اما این برنامه فقط برای کنترل و ارباب عمومی نیست. بدون دشمنی با غرب این برنامه از اساس بی‌معنا به نظر می‌رسید. طرح حق غنی‌سازی هسته‌ای برای فراموشی همه‌ی حقوق اجتماعی و فرهنگی و سیاسی یک ملت بود.

### اعمال تبیض

فساد کاست حکومتی، برنامه‌ی هسته‌ای و جاه‌طلبی‌های نظامی در منطقه به سه منبع اصلی صرف منابع کشور در دوران خامنه‌ای تبدیل شده‌اند. این سه منبع اصلی صرف بودجه‌های عمومی همه در خدمت فربه کردن کاست حکومتی از حیث قدرت و ثروت‌اند. ممکن است در دوره‌هایی مثل چند سال اول خاتمی یا یک سال اول روحانی تمرکز بر کاهش تنش در روابط خارجی به دلیل کاهش فشارهای اقتصادی باشد اما مسیر اصلی را اموری تعیین می‌کنند که حکومت پولش را در آنجا مصرف می‌کند. امروز پول حکومت در حوزه‌ی تنش‌زدایی خرج نمی‌شود بلکه در حوزه‌هایی ریخته می‌شود که به برخورد و جنگ منتهی می‌شوند. حکومت برای آن زمان نه به قدرت مردم بلکه به قدرت و ثروت کاست حکومتی متکی است.

شیعیان به عنوان نحله‌ای از دین اسلام معتقد هستند که حسین، امام سوم شیعیان، که قداست ویژه‌ای نزد این مذهب دارد، از قیام خود در برابر یزید هدفی جز احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر نداشته است و برای این مدعا استناد می‌کنند به سخنان حسین در وصیتش به محمدبن حنفیه که در آن‌جا امام سوم شیعیان به صراحت می‌گوید که هدفی از قیام جز اصلاح امور امت جدش -محمد- که به فساد گرائیده و هم‌چنین امر به معروف و نهی از منکر ندارد: انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم ان ارید امر بالمعروف و انهی عن المنکر...

در جامعه‌ی دینی که دین تنها عامل و از قضا مهم‌ترین دوام و قوام‌بخش هویت جمعی است، این امر به معروف و نهی از منکر مکانیزمی است که همه‌ی تلاش خود را به کار می‌بندد تا جامعه -بخش اندک جامعه- نتواند سر از لاک این هویت دینی بیرون بیاورد و در اتمسفری جز فضای دین نفس بکشند. در چنین جامعه‌ای هر عامل یا عواملی که بخواهد به این انسجام هویتی لطمه وارد کند امری ضد دینی و منکر است و رسالت انسان مومن آن است که با هر چه ضد دین است و لاجرم مفسده‌خیز، بستیزد.

در جامعه‌ی مدرن که از آن جامعه‌ی پیشامدرن سنتی تک‌هویتی فاصله گرفته است و هیچ هویتی نمی‌تواند به تنهایی قوام‌بخش جامعه باشد، لاجرم امر به معروف و نهی از منکر نمی‌تواند ابزاری برای انسجام‌بخشی هویت‌های چندتکه باشد. نباید فراموش کرد که معروف و منکر هر آن چیزی است که دین به انجام آن امر کرده و یا از انجام آن بازداشته است و برای انسان مدرن دین نه یگانه عامل هویت‌بخش و انسجام‌دهنده است و نه دستورات دینی از آن حیث که دینی هستند لازم‌الاجرا. از طرفی با شکل‌گیری دولت مدرن، آن‌چه لازم‌الاجرا است، هر آن چیزی است که قانون شده است و این قانون مانند گذشته از دل دین بیرون نمی‌آید و امت دیندار جای خود را به شهروند داده است. از این‌رو عدم رعایت اصول و قواعد دینی از آن حیث که دینی‌اند منکر محسوب نمی‌شوند و رعایت آن معروف. عدم رعایت قوانین برآمده از خرد جمعی برای فرد خاطی عواقبی در بر دارد اما عقوبت آن ربطی به دیگر شهروندان ندارد بلکه سر و کار خاطی با قوه‌ی قضاییه و جریمه و زندان است.

اگر بپذیریم که در جهان جدید انسان تک‌هویتی نیست، خواهیم دید که حفظ هویت دینی به عنوان یک هویت غالب و قاهر اساساً معنای محصلی ندارد. جریان نواندیشی دینی که سعی وافر در این مهم داشته است که بین دین و دنیای مدرن سازگاری برقرار سازد، از این‌رو به این تناقض در جهان امروز پی برده است. بخشی از این جریان تاثیرگذار در ابتدا تلاش کرد که بگوید آن‌چه جهان جدید به عنوان ابزارها و مکانیسم‌های مهار قدرت به رسمیت شناخته، همان است که در منظومه‌ی فکر دینی به آن امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند؛ رسانه‌های آزاد، احزاب مستقل و مطبوعات، ابزارهای مهار قدرت هستند و انسان مدرن با این ابزار قدرتمندان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند اما هر چه این جریان فکری-سیاسی به پیش آمد و حکومت دینی جمهوری اسلامی بیش‌تر سیطره‌ی خود را بر همه‌ی شئونات زندگی شخصی و اجتماعی مردم بسط داد، تلاش شد که درباره‌ی کارایی یا ناکارآمدی امر به معروف و نهی از منکر در جهان جدید سکوت شود و تنها به گفتن این بسنده شود که آن‌چه جمهوری اسلامی و گروه‌های مذهبی تندرو بر سر مردم، علی‌الخصوص زنان کشور می‌آورد، معنای درست و دقیق امر به معروف و نهی از منکر نیست اما چندان سخن از این به میان نیامد که معنای درست و دقیق امر به معروف و نهی از منکر برای انسان معاصر چیست.

باید گفت همان‌طور که آن‌چه در فکر دینی به عنوان "شورا" مطرح می‌شود، معنای دموکراسی و یا پارلمان نمی‌دهد و یا همان‌طور که طب‌الرضا و طب‌الصادق هیچ نسبتی با دانش پزشکی جدید ندارد و همان‌گونه که زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی قرآنی نسبتی با علوم جدید در این عرصه‌ها ندارد و قس‌علی‌هذا، امر به معروف و نهی از منکر هم همان رکن چهارم دموکراسی و مفاهیمی از این دست نیست.

امر به معروف و نهی از منکر متعلق به جهان سنت است که دین تنها هویت افراد بود و عدم پایبندی به این هویت، گناهی نابخشودنی و منکری عظیم بود. انسان امروز و حتی انسان دین‌دار امروز به هیچ عنوان انسانی تک‌هویتی نیست و از این رو امر به معروف و نهی از منکر نمی‌تواند پاسدار هیچ هویت جمعی یا فردی باشد.

بیش از هر چیز برای انسان جدید دین امری شخصی است و امر به معروف و نهی از منکر در شکل لسانی -به اصطلاح نرم- چیزی نیست جز سرک کشیدن در زندگی افراد برای تحمیل یک سبک خاصی از زندگی و پوشش و منش و کوشش در عرصه‌ی فردی و همین‌طور اجتماعی؛ همان چیزی که به زبان عامیانه نامش فضولی است.

تحمیل یک سبک و منش و غیره‌ی زندگی با زبان خوش -که نزد برخی از مومنان مرحله‌ی اولیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است- نامش امر به معروف و نهی از منکر لسانی است و اگر کارگر نیفتاد بر مومنان است که وارد فازهای خشن‌تر بشوند. در شکل غیر لسانی، امر به معروف و نهی از منکر می‌شود آن‌چه گشت‌های ارشاد در سی‌وچند سال عمر نظام اسلامی بر سر مردم ایران آورده‌اند و اسیدپاشی بر روی زنان مرتبه‌ای دیگر -هر چند بسیار خشن- از همین امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف یعنی تحمیل یک سبک از زندگی و یک نوع هویت به دیگران چه با زبان خوش و چه با خشونت.

-----

این یادداشت پیش از این در ماهنامه اینترنتی "خط صلح" منتشر شده است.

